

یا خدا

"قایقی خواهیم ساخت
خواهم انداخت به آب
دور خواهیم شد از این خاک غریب...
پشت دریاها شهری است
که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است
دست هر کودک ده ساله‌ی شهر
خانه‌ی معرفتی است...
پشت دریاها شهری است
که در آن وسعت خورشید
به اندازه‌ی چشمان سحر خیزان است
قایقی باید ساخت"

• سهراب سپهری





آنچه در این شماره میخوانید

فصلنامه فرهنگی، هنری، آموزشی، اطلاع‌رسانی
موسسه‌ی خیریه‌ی توانبخشی همدم (فتح المبین)
شماره‌ی ثبت: ۷۳۳۱۹ | شماره‌ی سی‌ودوم | تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز:
موسسه‌ی خیریه‌ی توانبخشی همدم (فتح المبین)

مدیر مسوول: دکتر زهرا حجت
مسوول شورای سیاست‌گذاری: جعفر شیرازی‌نیا
سردبیر و ویراستار: علیرضا سپاهی‌لایین

هیئت تحریریه: عباس‌علی سپاهی‌یونسی، مریم همایونی، محمد رحیمی
محبوبه مشرف، مهناز کاکایی، کمال هوشیار، سیدعرفان تقوی
دکتر فریبا عرب‌گل

مترجم: مریم توفیقی، رویا صالحی

گرافیک، صفحه‌آرایی و نظارت چاپ: اعظم منعمی‌زاده
تصویرگران: نگین حسین‌زاده، فرزانه رئیس‌الساداتی

عکس: هومان میرهادی، فرشته‌کاملان، مهران کریمان، سالار غفاری
سعید احمدی، اکرم ابراهیمی، شیدا طباطبایی صبوری
معین نجیب اکبرپور، سمیرا غفاریان قالیباف، سید پوریا اسماعیل‌زاده
اعظم منعمی‌زاده و آرشو روابط عمومی

لیتوگرافی: با تشکر از دیجیتال گویا اسکندر (مشارکتی)
چاپ و صحافی: چاپخانه قرآن کریم (مشارکتی)

بسته بندی و آماده‌سازی جهت ارسال: دختران خانه پناهگاهی



طرح جلد: اعظم منعمی‌زاده
عکس جلد: اکرم ابراهیمی

۳	سخن مدیر مسوول
۴	یادداشت سردبیر
۵	من، اینطوری عوض شدم
۶	همیاران همدم
۸	نگاهی به خانه‌ی همسایه
۱۰	زندگی دختران این خانه
۱۲	یک نفس زندگی / حقیقت
۱۳	خبرهای خوب این خانه
۱۸	گزارش
۲۶	یک نفس زندگی / حکایت ماه رمضان
۳۴	همدردی
۳۵	چند لحظه علمی و آموزشی
۳۶	اوتیسم در کودکان؛ از تشخیص تا درمان
۴۰	آلودگی محیط، منشاء معلولیت
۴۱	پیامدهای منفی از دواج پیش از بلوغ
۴۲	کودک و تماشای تلویزیون؛ چه و چگونه؟
۴۴	گزارش احوال
۴۶	معرفی فیلم
۴۸	معرفی کتاب
۵۰	جدول همدم؛ شماره‌ی ۷
۵۲	معرفی کوتاه مؤسسه

نمایش نقص و جلب ترحم، هرگز!

• دکتر زهرا حجت

آنها که هراز گاه به همدم می آیند، چه یاور باشند و چه خیر، چه مدیران شهری و دولتی و خصوصی باشند و چه مردم عادی همشهری و هم میهن، اغلب دیده اند و به این اذعان دارند که موسسه‌ی همدم، محیطی است آراسته و مطبوع و ۴۰۰ مددجوی تحت آموزش و مراقبت این موسسه هم غالباً در شرایطی استاندارد از جهت بهداشتی و پوشاک و تغذیه، نگهداری می شوند. ملاحظه‌ی چنین شرایطی، غالباً با دورویکرد متفاوت مواجه می شود؛ گروهی خیال می کنند که اوضاع مالی به سامان موسسه و فراوانی نعمت و پول است که اجازه‌ی چنین مدیریتی به اهالی همدم می دهد. گروهی نیز دانسته یا حسب اتفاق، می گویند: اداره‌ی استاندارد مجموعه‌ای مثل همدم بیش از پول و امکانات، مرهون همدلی نیکوکاران و یاوران و همکاران همدم است و مزید بر این، مدیون این باور است که: نشان دادن چهره‌های زرد و لباسهای نامناسب و معلولیت‌های رقت‌انگیز، به نیت جلب توجه و ترحم افراد نیکوکار، در شان همدم و هیات مدیره و کارکنان و فرزندان آن نیست. با ملاحظه‌ی این واقعیت یادداشت این شماره‌ی فصلنامه‌ی همدم را به طرح و تبیین این موضوع اختصاص دادیم تا به خودمان و همکارانمان در هر جای میهن اسلامی مان یادآور شویم که؛ نگهداری و مراقبت و آموزش و پرورش فرزندان کم توان در موسسات خیریه‌ی خصوصی و دولتی و نیمه دولتی، امری مقدس و ارزشمند است که می توان از دو مسیر به آن دست یافت؛ هم می توان مظلوم‌نمایی کرد و با نمایش دادن نقص‌ها و نکبت‌ها و بی چارگی و ناتوانی معلولین، در جلب توجه و ترحم دیگران کوشید و بودجه‌های لازم را برای تامین هزینه‌های متعدد و مفصل این عزیزان تدارک دید. هم می توان با تمرکز بر توان این فرزندان و تقویت استعدادهای ذاتی آنان، راه بهزیستن و توفیق و لذت بردن از لحظات زندگی را یادشان داد و از نیکوکاران و خیر خواهان هم خواست که در زمینه‌ی گسترش این راهبرد و رسیدن به این مقصود مبارک، یار و یاور موسسات خیریه باشند. موسسه‌ی خیریه‌ی همدم، به رغم سودآور بودن راه نخست به راه دوم باورمند و پایبند است و از عموم کسانی که دستی به خیردارند نیز، می خواهد که در اتخاذ این روش و بهادادن به شان و شخصیت معلولین هموطن، همراه و همدم ما باشند.





یاور؛ سایه‌ای بر سر...

• علیرضا سپاهی لایین

باورش نمی‌شود که او مادر واقعی این دختر نباشد؛ صداها، اشک‌ها عشق‌ها، نوازش‌ها و آرامش‌های این یاوران، دقیقاً مادرانه و تجلی لطف الهی و نشانه‌ی بارز بزرگی مقام و بی‌دریغی احسان انسان‌هاست. همدم و موسساتی چون همدم، یک فرصت‌اند برای شناخت انسانهای راستین...

در این شهر، کلی آدم وجود دارد که زبان بیان موثر و تمکن مالی بسیار و احساسات سرشار دارند. اما همگان این توفیق را ندارند که فراخور فرصت، سری به همدم بزنند و سهمشان را از سلامتی به دخترانی ادا کنند که سهمشان از هستی، صرفاً دلخوشی به این خانه است و یک تخت استراحت ثابت یا یک صندلی چرخدار معمولی. ما انسانها، مثل یه دستگاه تولیدی، در یک مجموعه‌ی به هم پیوسته زندگی می‌کنیم که نقص و نارسایی هر بخش و هر قطعه‌ی آن تاثیر مستقیم بر عملکرد کلی دستگاه دارد. اگر در نظر بگیریم که سلامت یا نقصان قطعات، به هیچوجه نشانه‌ی لیاقت‌های شخصی نیست. آنگاه در خواهیم یافت و باور خواهیم کرد که؛ در این سامانه رسیدگی و جبران کاستی‌های بخش نارسا، وظیفه‌ی قطعات سالم است. یاوران مهربان همدم، دانسته و بی‌دریغ، مدام در حال یاری‌رسانی به بخش‌های آهسته‌گام جامعه‌اند. آنها، برآستی انسان راستین‌اند. خداوند خیرشان دهد که به بندگانش خیر می‌رسانند.

این چند سطر، ادای دینی است به تمامی یاوران مهربان و انسان و باایمانی که سالهاست، از هر فرصتی برای همدلی و همکاری با کارکنان همدم و یاری‌رسانی به ۴۰۰ فرشته‌ی تحت پوشش و آموزش این خیریه، صمیمانه و صادقانه و فروتنانه و عاشقانه، از راه دور و نزدیک کمک می‌کنند: شرایط کار در همدم، تقریباً مثل هر اداره و موسسه‌ی دیگری است، با این تفاوت که، کارکنان همدم در هر سمت و بخشی که باشند، نمی‌توانند از خط خدمت و فداکاری خارج شوند. این ویژگی، همچنانکه نشان از مدیریت درست و دلسوزانه‌ی مجموعه دارد، به خاطر فضای عاطفی خاص و تاثیر معنوی همنشینی کارکنان با چهارصد فرشته‌ی زمینی معصوم هم هست. در این میان، یک مساله‌ی مهم و یگانه هم وجود دارد و آن رفت و آمد انسانهای نیکوکاری است که همیشه با همدم در ارتباط‌اند و بیشتر وقت‌ها در فضای اداری و پرستاری این موسسه‌ی خیریه به چشم می‌خورند؛ صبح امروز و پیش از اینکه بخواهم دست به قلم ببرم و بنویسم، از پنجره‌ی اتاقم شاهد اتفاقی بودم که به عنوان یک نمونه، بیانش می‌تواند منظورم را واضح‌تر ادا کند؛

یکی از بانوان یاور همدم، کنار یکی از دختران مددجوی این خانه که شرایط جسمی و هوش‌بهری خاص دارد، روی صندلی فضای باز موسسه نشسته بود و همچنان که به گرمی و مهربانی نوازشش می‌کرد، عاشقانه‌ترین کلمات را زمزمه می‌کرد و لطیف‌ترین حالات مادرانه را نشان می‌داد. غیر از ما و همکارانمان که ایشان و دیگر یاوران را می‌شناسیم، هیچکس



من، اینطوری عوض شدم!

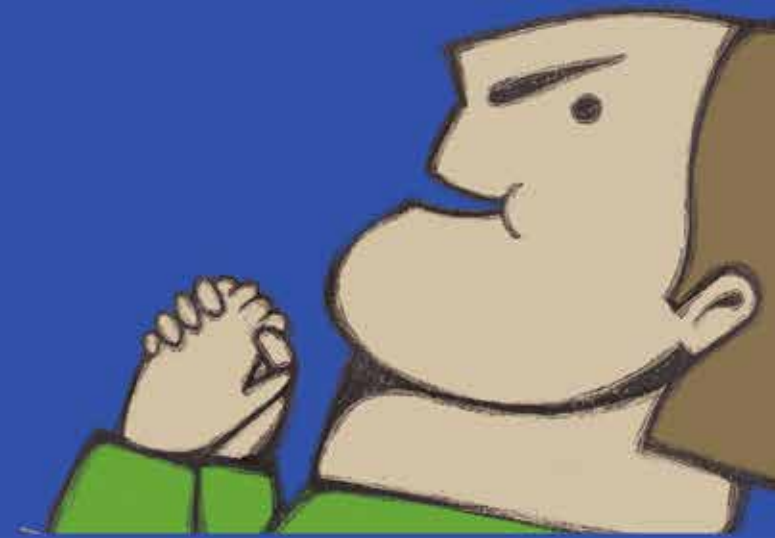
• تصویرگر: نگین حسین‌زاده

به مدت چندین سال همسرم به یک اردوگاه در صحرائی (ماجوی) کالیفرنیا فرستاده شده بود. من برای اینکه نزدیک او باشم، به آنجا نقل مکان کردم و این در حالی بود که از آن مکان نفرت داشتم. همسرم برای مانور اغلب در صحرا بود و من در یک کلبه کوچک تنها می‌ماندم. گرما طاقت فرسا بود و هیچ هم‌صحبتی نداشتم. سرخ پوست‌ها و مکزیکی‌های آن منطقه هم انگلیسی نمی‌دانستند. غذا و هوا و آب همه جا پر از شن بود. آنقدر عذاب می‌کشیدم که تصمیم گرفتم به خانه برگردم و حتی قید زندگی مشترک‌مان را بزنم. نامه‌ای به پدرم نوشتم و گفتم یک دقیقه دیگر هم نمی‌توانم دوام بیاورم. می‌خواهم اینجا را ترک کنم و به خانه‌ی شما برگردم. پدر نامه‌ام را در دو سطر جواب داده بود، دو سطر که زندگی‌ام را کاملاً عوض کرد و تا ابد در ذهنم باقی خواهند ماند: «دو زندانی از پشت میله‌ها بیرون را می‌نگریستند... یکی گل و لای را می‌دید و دیگری ستارگان را!»

بارها این دو خط را خواندم و احساس شرم کردم. تصمیم گرفتم به دنبال ستارگان باشم و بینم جنبه مثبت در وضعیت فعلی من چیست؟ با بومی‌ها دوست شدم و عکس‌العمل آنها باعث شگفتی من شد. وقتی به بافندگی و سفالگری آنها ابراز علاقه کردم، آنها اشیایی را که به توریست نمی‌فروختند را به من هدیه کردند. به اشکال جالب کاکتوس‌ها و یوکاها توجه می‌کردم. چیزهایی در مورد سگهای آن صحرا آموختم و غروب را مدام تماشا می‌کردم. دنبال گوش‌ماهی‌هایی می‌رفتم که از میلیون‌ها

سال پیش، وقتی این صحرا بستر اقیانوس بود، در آنجا باقی مانده بودند. چه چیزی تغییر کرده بود؟ صحرا و بومی‌ها همان بودند... این نگرش من بود که تغییر کرده و یک تجربه رقت‌بار را به ماجرای هیجان‌انگیز و دلربا بدل کرده بود. من آنقدر از زندگی در آنجا مشغوف بودم که زمانی با عنوان «خاکریزهای درخشان» در مورد زندگی در صحرائی ماجوی نوشتم. من از زندانی که خودم ساخته بودم به بیرون نگر ایستاده و ستاره‌ها را یافته بودم. اگر به فرزندان خود رویارویی با سختی‌های زندگی را نیاموزیم در حق آنها ظلم کرده‌ایم.

• برگرفته از کتاب آیین زندگی، نوشته‌ی دیل کارنگی



چه نیکوست در بین تمام روزمره‌گی‌ها که همه‌ی ما به نوعی گرفتار آن هستیم به دنبال فرصتی باشیم برای رسیدن به زیبایی باطنی و مفهوم عالی زندگی. یکی از مهمترین و پررنگ‌ترین مفاهیم در زندگی مفید بودن برای خود و دیگران است و چه بهتر که این مفید بودن برای دیگرانی باشد که از نعماتی محرومند؛ برای شکوفایی آنها و ارزش آفرینی برای کسانی که تفاوت‌های ناخواسته با عامه‌ی مردم دارند و نیل به انسانیت و زیباندیشی در قالب یابوری و یاور بودن به هم‌نوعان که باعث می‌شود ارزیابی‌های معمول در زندگی شخصی نه بر کمال‌گرایی که بر انطباق وقایع روزمره زندگی با معیار زیبایی‌شناختی منطبق گردد. مؤسسه‌ی توانبخشی همدم سرپرستی شبانه‌روزی چهارصد دختر بی‌سرپرست با معلولیت ذهنی در سطح‌های مختلف را بر عهده دارد. از این‌رو بالغ بر ۱۶۰ نفر نیروی انسانی در حال خدمت‌رسانی به این عزیزان اند. در کنار نیروهای ثابت این مرکز توانبخشی یاوران نیکوکاری نیز هستند که بدون هیچ چشم‌داشتی به صورت افتخاری و با عنوان «یاور» در حال خدمت به این فرزندان هستند. در این شماره با سرپرست یاوران همدم آشنا خواهیم شد و در شماره‌های بعد فصلنامه، به معرفی یاوران عزیزمان نیز خواهیم پرداخت:



کار در همدم، همه‌اش خاطره است!

گپ وگفتی خودمانی، با فاطمه ثابتی (سرپرست یاوران همدم)

• پریا گلبویی

• لطفاً با خوانندگان فصلنامه‌ی همدم گفتگو را با معرفی خود آغاز کنید و بفرمایید از چه طریق با مؤسسه‌ی همدم آشنا شدید و چه انگیزه‌ای برای همکاری با این مؤسسه داشتید؟

به نام خدا و با سلام به خوانندگان فصلنامه‌ی همدم. فاطمه ثابتی هستم بازنشسته‌ی فرهنگی. از اوایل بازنشستگی دوست داشتم با مؤسسات خیریه همکاری داشته باشم و به نوعی از این طریق زکات شغلم را بپردازم اما نحوه‌ی ورود به این مؤسسات را نمی‌دانستم تا اینکه سال ۱۳۸۹ یکی از همکارانم که از یاورهای تحصیلی درس ریاضی فرزندان همدم بودند، بخاطر مشغله‌ی کاری و شغلی زیاد نمی‌توانستند با همدم همکاری داشته باشند از این رواز من خواستند که به جای ایشان به مؤسسه بیایم. من هم فرصت را غنیمت شمرده و در اولین فرصت به مؤسسه همدم آمدم و با سرکار خانم حسینی که در آن زمان مسئولیت یاوران را بر عهده داشتند آشنا شدم و از آنجا همکاریم با این مؤسسه شروع شد و تاکنون ادامه داشته است.

• اگر ممکن است، از سوابق کارهای اجرائیتان در همدم بگویید؟

من، در ابتدا به عنوان یاور به مؤسسه آمدم و با توجه به رشته و تخصصم با بچه‌هایی که در درس ریاضی مشکل داشتند همکاری می‌کردم و پس از مدتی بخاطر عزیمت خانم حسینی به تهران، مسئولیت و هماهنگی یاوران به من سپرده شد. قسمتی از کارم گزینش افرادی است که تمایل کمک به

نماز مغرب و عشاء و خواندن زیارت عاشورا که به همت خانم احمدآبادی برگزار می‌شود، بچه‌ها بسیار لذت می‌برند و استقبال می‌کنند و دیدن این مناظر و سادگی و زلالی بچه‌ها، کلا تبدیل به خاطره می‌شود.

• چه پیشنهادی برای شهروندان مشهد جهت همدلی و ارتباط بیشتر با فرزندان همدم دارید؟

مردم ما همیشه پشتیبان یکدیگر بوده‌اند و اگر با دختران همدم بیشتر آشنا شوند و مهرشان را به صورت دیداری نثار این بچه‌های بی‌سرپرست بکنند و از طریق عاطفی خلاءهای آنها را پر کنند خیلی بهتر است. چرا که فرزندان بی‌سرپرست و بدسرپرست، به محبت نیاز دارند. علاوه بر این، کسانی که از نظر مالی شرایط بهینه‌ای دارند سعی کنند بخشی از هزینه‌های جاری مؤسسه را تقبل کنند، چون سرپرستی ۴۰۰ نفر و تامین مخارجشان، فقط در حرف آسان است و ممکن است حجم نیازها کمتر به نظر برسد.

• و در آخر، آیا حرف و نکته‌ی خاصی هست که بفرمایید؟

در آخر می‌خواهم از خانم خانی عزیز، تشکر ویژه بکنم که بدون هیچ چشم‌داشتی در این مدت با من و مؤسسه همکاری داشته‌اند و گاهی به دلیل مشغله‌ی روزمره‌ی من، ایشان بیشتر زحمات را تقبل می‌کنند و هماهنگی با یاوران را انجام می‌دهند.

فرزندان همدم را با توجه به تخصص‌های گوناگون خود دارند و فرم یآوری را پر کرده‌اند و با توجه به نیازهای دختران همدم یاورها گزینش می‌شوند.

• یاورها به چه صورت گزینش می‌شوند و به مؤسسه راه پیدا می‌کنند و در چه اموری کمک می‌کنند؟

افرادی که به هر شیوه‌ای با مؤسسه آشنا می‌شوند چه از طریق بازدید حضوری و یا از طریق نشریه و رسانه‌های مختلف، در صورت تمایل فرم مربوط به یآوری را از طریق روابط عمومی مؤسسه پر می‌کنند و با توجه به اظهاراتشان و نوع مهارتی که دارند با آنها تماس گرفته و برای همکاری‌شان با همدم از آنها دعوت می‌شود.

• برای تشخیص نوع نیازها، شما با فرزندان همدم به طور مستقیم در ارتباط هستید؟

بله - حتما، بدون ارتباط با بچه‌ها نمی‌توان نوع نیاز آنها را تشخیص داد. خیلی از اوقات خود بچه‌ها به من مراجعه و خواهش می‌کنند برای آنها یآوری را در نظر بگیریم.

• خاطره‌ی خاصی از همدم دارید که برایتان ماندگار شده باشد؟

در واقع بی‌تعارف کار در همدم همه‌اش خاطره است. بچه‌ها از دیدن فردی خارج از محیط مؤسسه بسیار ذوق می‌کنند و خوشحال می‌شوند و شادی آنها خوشحالی ماست. مخصوصاً در ایام محرم هر شب با اقامه‌ی



شرط موفقیت ما، مشارکت مردم است

گفت‌وگو با دکتر غلامحسین خدایی (فعال خیرین سلامت و مدیر مسئول فصلنامه‌ی بهروز)
● عباسعلی سپاهی یونسی

قرارمان با دکتر غلامحسین خدایی (مردی که ۴۰ سال از عمرش را در نظام سلامت کشورمان طی کرده است) در دفتر نشریه‌ی بهروز انجام شد. برخورد همکارانش در دفتر نشریه با او و خوشحالی آنها از دیدار دوباره اش، نشان از مهربانی و کارهای فراوانی بود که ایشان انجام داده است. همان جا بود که یاد این فراز از شعر نیما افتادم که: «یاد بعضی نفرت/روشنم می دارد/قوت می بخشد،/راه می اندازد،/واجب کهن سرد سرایم/گرم می آید از گرمی عالی دم‌شان.» این بهترین حالتی است که برای یک انسان می توان متصور شد که وجودش برای دیگران خیر و برکت است. او سال‌ها در سمت‌هایی که داشته است در موضوع اجتماعی شدن سلامت فعال بوده و هست. وی در حال حاضر مشاور رییس دانشگاه علوم پزشکی مشهد در امور اجتماعی و مدیر مسئول فصلنامه بهروز می باشد.

اگر موافق باشید کمی از خودتان بگویید؟

بنده سال ۱۳۶۱ از دانشگاه علوم پزشکی مشهد فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۳ در نظام سلامت کشور در گناباد، تربت حیدریه و مرکز بهداشت استان به مدت ۳۰ سال انجام وظیفه کرده‌ام. سال ۱۳۹۲ بازنشته شدم اما مجدد دعوت به کار شدم و با عنوان قائم مقام رییس دانشگاه در حوزه اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌های سلامت فعالیت کردم. از ابتدا در بخش سلامت دو دیدگاه وجود داشته است یک دیدگاه این بوده است که با رویکرد پزشکی همه امور سلامت را با خدمات پزشکی و بهداشت و درمان حفظ کنیم. دیدگاه دیگر اما معتقد به رویکرد توسعه اجتماعی است. یعنی ما مردم را درگیر خدمات سلامت بکنیم و مراقبت از سلامت در حوزه‌های مختلف سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی مورد توجه ما باشد. متأسفانه رویکرد پزشکی به خاطر تفکر حاکم بر سیستم اداری و حتی سیستم وزارت بهداشت همیشه غالب بوده است. یعنی امروز ما از نظر نیروی انسانی، تجهیزات پزشکی بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی، خانه‌های بهداشت و ... بسیار رشد کرده‌ایم اما با این همه می بینم مشکلات سلامت مردم متأسفانه بیشتر شده است.

بیشتر شدن مشکلاتی که می فرمایید چه دلیلی دارد؟

دو دلیل دارد اول مشارکت نکردن مردم در مراقبت از سلامت خودشان و دوم شیوه زندگی غلطی که امروز ما درگیر آن هستیم. به طوری که امروزه می گویند ۷۰ تا ۸۰ درصد عوامل تاثیر گذار بر سلامت، عوامل اجتماعی است نه عوامل پزشکی. یعنی رویکرد پزشکی حداکثر تاثیرش در موضوع سلامت ۲۰ درصد است. متأسفانه این رویکرد توسعه اجتماعی، نه تنها در حوزه سلامت بلکه در دیگر مسائل ما مثل مسائل قضایی، فرهنگی، امنیتی و در حوزه‌های مختلف مورد غفلت قرار گرفته است. چون یک تفکر کور دولتی نفتی حاکم بر مدیریت ما بوده است. در صورتی که افتخار ما به امام علی (ع) این است که ایشان یک مرد دموکرات بوده است. می دانیم که او حکومت را به هر قیمت نگرفت. می گفت اگر مردم نخواهند من حکومت را نمی خواهم و وقتی هم قبول کرد گفت این حکومت و قدرت برای من از آب دماغ بز کم‌ارز شتر است. الان این طور نیست بین دولت مردان به معنای عام از یک شهرستان دور دست تا دولت مردان در سطح بالا، یک

جدایی و تفرقی وجود دارد. این نوعی تفکر شده است. ما فقیر نیستیم و منابع زیادی داریم اما به خاطر تفکری که به آن اشاره کردم، روز به روز سلامت مردم بیشتر به خطر می افتد. بخشی از این به خطر افتادن، به خاطر عدم مشارکت مردم و عدم مراقبت از سلامت خودشان است. نهایتاً منابع محدودی که داریم هزینه درمان‌های گران قیمت می شود که در واقع تعیین کننده‌های آنها کمپانی‌های دارویی و تجهیزات پزشکی می باشد.

ولی چند سالی است که شاهد افزایش مشارکت مردم در فرایند سلامت هستیم؟

بله. در زمان ریاست دکتر هاشمی این رویکرد شکل جدی تری به خود گرفت و حاصل آن افزایش مشارکت مردم در حوزه سلامت بود. با شکل گیری این رویکرد، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌های سلامت و ... جدی تر وارد عرصه سلامت شدند. واقعا اگر مردم را توانمند بکنیم که اول خودشان از خودشان مراقبت بکنند و باورش‌شان بشود که هیچ انسانی در روی کره زمین دلسوز تر از خودشان برای خودشان وجود ندارد، به نتایج خیلی خوبی خواهیم رسید. دولت، مسئول، پزشک هر کدام مشکلات خود را دارند. پس باید مردم در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد مسئولیت پذیری بکنند و دیگران را هم توانمند سازند.

در جایی از صحبت‌هایتان به خیریه‌های سلامت اشاره کردید. وقتی تعبیر خیریه سلامت را استفاده می کنیم در نگاه بعضی‌ها، این معنی را می دهد که پولی جمع شود برای دارو و درمان بیماران نیازمند، احتمالاً نگاه شما این نیست؟ بله «خیریه سلامت» ترکیبی از درمان و آموزش و پیشگیری است. بحث توسعه مشارکت مردم هم دستور دینی است و هم دستور عقلی که شرط موفقیت ما، مشارکت مردم است. برای همین ما حضور مردم را در ۳ گروه خیریه‌ها افزایش داده ایم:

اول خیریه‌های درمانی که در مشهد در حال حاضر ۴۲ درمانگاه و ۵ بیمارستان خیریه داریم. دوم موسسات خیریه حمایتی است که به هر دلیلی مردم بیمار شده اند و دچار مشکلات اقتصادی هم هستند باید به آنها کمک کنیم که فقط درد بیماری را نداشته باشند نه درد بی پولی را.



کرده اند اما در سطح کشوری نه ولی همدم حتی بین المللی هم خوش درخشیده است. این سرمایه ایست که ما می توانیم از آن استفاده بکنیم. همدم چند ویژگی دارد اول این که مدیریت همدم مردمی است. سیاست گذاری و اجرای آن مردمی است که ارزش فراوانی دارد. معتقدم اگر همین مرکز در اختیار دولت بود، الان این وضع خوب را نداشت. دوم اعتماد مردم به این خیریه در سطح خوبی است. هر سازمانی بزرگترین سرمایه اش قبل از سرمایه مالی اعتماد مردم است و این را همدم دارد. الان مردم به همدم از هر نوع تفکری و هر رده ی اجتماعی اعم از هنرمند، اهل سیاست، دانشجوی روحانی، بازاریان و ... اعتماد دارند و برای همین است که اقشار مختلف به همدم رفت و آمد می کنند. هر کدام از این آدم ها سرمایه ای که دارند اعم از مالی، فکری، علمی، هنری و حاضرند از آن برای همدم هزینه کنند که این ارزش بالایی دارد و باید آن را قدر دانست. نکته بعدی که نباید از آن غفلت کرد، بحث مدیریت همدم و افرادی است که در همدم به کار گرفته شده اند. از سطح خود مدیر عامل تا کارکنان احساس وابستگی سازمانی را به شدت دارند. من معتقدم کسانی که در همدم کار می کنند کارمند و حقوق بگیر نیستند. وقتی شما با کسانی که در همدم مشغول خدمت رسانی هستند روبرو می شوید، به این نتیجه مهم می رسید که این افراد همدم را خانه خودشان می دانند و بچه ها را بچه های خودشان. ما یک همدم می شنویم اما باید بدانیم کار کردن و مراقبت از بعضی از بچه ها واقعا سخت است. من خودم گاهی فکر کرده ام که آیا می توانم یک هفته با بچه ها کار کنم؟ مخصوصا در بخش هایی مثل بخش ایزوله که سختی خاص خود را دارد. برای ما کار کردن در یک اداره دولتی و یا شرکت و موسسه خصوصی خیلی زود تبدیل به شغل می شود. ولی در همدم این احساس وجود ندارد و این ارزش فراوانی دارد. خوشبختانه دوستان همدم در شبکه ها و گروه هایی که در حوزه سلامت و مشارکت های اجتماعی ایجاد شده است هم حضور فعالی دارند.

و سخن پایانی؟

باید دست مرزبازی بگویم به مدیران همدم و آدمهایی که برای بهبود وضعیت ۴۰۰ دختر تحت سرپرستی این خیریه ی خوب، تلاش می کنند.

در این بخش هم ۳۰ موسسه حمایتی در خراسان رضوی فعالیت می کنند. این موسسات به درمان و تامین داروی بیماران، کاردرمانی و گفتار درمانی بیماران کمک می کنند. یک بخش دیگر کارهای این موسسات هم کمک به توسعه مراکز درمانی و بهداشتی و خرید تجهیزات پزشکی برای مراکز درمانی است. در طول این ۳ سال مردم خیر ما در قالب این موسسات ۱۲۰ میلیارد تومان به توسعه واحدهای بهداشت و درمان و حمایت از بیماران نیازمند کمک کردند. سوم هم سازمانهای مردم نهاد تخصصی می باشند. هر کدام از این سازمانهای مردم نهاد در مورد یکی از بیماریها از جمله سرطان سلیاک، دیابت و ... فعال اند. ما در این بخش در استان ۶۵ سازمان مردم نهاد تخصصی غیر دولتی داریم. اینها علاوه بر آموزش بیماران و تغذیه کودکان در بخش آموزش برای پیشگیری از بیماریها و توانمند سازی خانواده ها برای مراقبت از خودشان و اشتغال زایی فعالیت می کنند. در این بخش جای کار فراوان وجود دارد. اهمیت تخصصی شدن سازمان های مردم نهاد در حوزه سلامت، این است که هر کدام یکی از بیماریهای خاص را پیگیری می کنند. مثلا یک گروه فقط به سرطان و بیماران این حوزه می پردازد، یکی به دیابت و ... این تخصصی شدن به نفع بیماران خاص می باشد چون مثلا سازمان مردم نهادی که به بیماران تالاسمی می پردازد حتی به اشتغال، مسکن و ازدواج این عزیزان هم توجه می کند. یا مثلا انجمن سرطان مشهد یکی از بزرگترین انجمن هایی است که در حوزه سرطان در خاورمیانه کار می کند.

ویژگی مهم سازمانهای مردم نهاد از نظر شما چیست؟

به نظرم مهم ترین ویژگی این است که تکلیف مدارانه کار نمی کنند و اخلاق مدارانه کار می کنند. در صورتی که به طور مثال منی که در یک اداره کار می کنم، به من گفته اند روزانه ۸ تا ۱۴ باید سر کار باشم ولی در حوزه سازمانهای مردم نهاد و خیرین، آدمهایی مثل مهندس مستشاری را داریم که بیش از ۸۰ سال عمر دارد. ایشان به اندازه ۱۰ تا ۲۰ مدیر دولتی ارشد ما کار می کند. این اگر اخلاق مدارانه نباشد، آیا باز هم همین می شود؟ خیلی از آدم های دیگر را هم می شناسم که به همین ترتیب واقعا از دل و جان و شبانه روزی برای بهبود وضعیت مردم نیازمند و بیماران کار می کنند. در کنار این افراد، انجمن هایی هم هستند که جوان هستند اما خوب کار می کنند مثلا گروه لبخند کودک که کارش این است که لبخندی بر لبان کودکان بیاورد و یا گروهی از جوانان هستند که به بیمارستان ها می روند و با بچه های بیمار کار و سعی می کنند این بچه ها روزهای بهتری را در بیمارستان ها سپری کنند. کار گروهایی از این دست اهمیت فراوانی دارد که با دل و جان هم کار می کنند.

شما با موسسه همدم هم در ارتباط هستید از این بر ایمان بگویند که چگونه با همدم آشنا شدید؟

یکی از اقوام ما در همدم مشغول به کار بود و می دانید که می گفتند فتح المبین. خانم بنده هم به آن جا رفته بود اما بنده ارتباطی نداشتم تا این که جایی نشریه همدم را دیدم و بعد هم با خانم دکتر حجت مدیر همدم آشنا شدم. بعد از آن بود که چند باری در قالب برنامه های گروهی از همدم بازدید کردم و آشنایی بنده با همدم و مدیران همدم بیشتر شد. چه از زبانی از وضعیت موسسه همدم دارید؟

به نظرم یکی از موسسات موفق در استان و حتی در کشور همدم است آن هم به لحاظ سرمایه اجتماعی و اعتمادی است که همدم نزد مردم به دست آورده است. بعضی از انجمن ها و موسسات در سطح استانی موفق عمل

نیر جان؛ فرشته‌ای بی زبان!

گفت و گویی خودمانی با «نیره»، همکار هنرمند همدم
• مجتبی جهانپور

فقط با هاله‌ای مبهم از تصویر پدر و مادرش زندگی کرده است. به نظر می‌رسد که سخت بشود فقط با تکیه به تصویری محو و هاله‌ای ناشناخته، یک عمر به پدر و مادر خود فکر کرد. و نیره با بغضی فروخورده از دنیای پر از تنهایی‌اش سخن می‌گوید. بعد از فوت پدر و مادرش که با فاصله‌ی کمی از هم از دنیا رفتند، تنها برادرش در سن ۱۴ سالگی به جبهه‌ی جنگ رفت و شهید شد و آنجا بود که فهمید از حالا چقدر تنهاست! کودکی هفت ساله راهی بهزیستی شد تا ادامه‌ی کودکی‌اش را در شرایطی متفاوت از گذشته‌اش بگذراند. نیره ناشنواست و می‌گوید از کودکی مورد تمسخر هم‌سالانم قرار می‌گرفتم. نمی‌توانستم با کسی حرف بزنم چون دیگران با زبان اشاره آشنا نبودند و اطلاع زیادی از زندگی ناشنویان نداشتند. او می‌گوید «از کودکی تنهایی با من شروع به بزرگ شدن کرد. دلتنگی برای پدر و مادر و برادر و ارتباط نگرفتن با بچه‌های سالم و تمسخر دیگران مرا از درون تنهاتر کرد و باعث شد انزوا پیشه کنم. بزرگ‌تر شدم و سعی کردم خود را با شرایط موجود وفق دهم. در آن زندگی گروهی در مراکز مختلف بهزیستی برای رفع تنهایی‌ام به هنر رو آوردم. خیاطی، چیدن سفره هفت‌سین، گلدوزی و... تا اینکه در سن ۲۳ سالگی به طور معجزه‌آسایی کارمند بهزیستی شدم. به محض اینکه زمزمه‌های استخدامم را در بهزیستی شنیدم رو به حرم امام رضا «ع» با خدا به گفتگو نشستم و گفتم بعد از این همه سال سختی و تنهایی کمکم کن و نذر کردم ۴۰ روز به حرم امام رضا «ع» بروم و در بیست و هفتمین روز حاجتم را گرفتم و ابلاغ کارم را دریافت کردم. خیلی خوشحال شدم و زندگی جدید من شروع شد. باز هم با همان کیفیت و شرایط

بعد از این همه سال، حالا به حرف مادر بزرگم رسیده‌ام... آن روزی که از پی پروانه‌ها شاد و خندان می‌دویدم تا بگیرم مشان و لابلای جمعیت و در میان هیاهوی پارک محله گم شدم و گریه می‌کردم و بعد از پیدا شدن، مادر بزرگم رو به من کرد و گفت: "این غصه که جدی نیست چون پیدا شدی، چون می‌دانی که سایه‌ی پدر و مادر روی سرت هست؛ تو این دنیا یک عالم آدم زندگی می‌کنند، در قلب هر کدام از این آدمها رو باز کنی یک عالم داستان از شون می‌شنوی. همه‌ی این داستانها می‌شه داستان زندگی..." مادر بزرگم راست می‌گفت. در شهرمان پنجره‌های زیادی وجود دارد. شب هنگام تمام چراغ‌های شهر روشن می‌شود. خانه‌ای کم‌سو، خانه‌ی پر نورتر و خانه‌ای شاید تاریک و بدون نور! در این شهر و در مکانی که بی‌شبهت به بهشت نیست و چهارصد دختر بی سرپرست فرشته‌سیرت در آن زندگی می‌کنند، اتاقی کوچک با پنجره‌ای که رو به آسمان باز می‌شود وجود دارد. در آن اتاق اصلاً خبر از زرق و برق‌های رنگارنگ دنیا نیست، خبر از دیوارهای قد کشیده و ستون‌های مجلل نیست، ولی تادلت بخواید، دلها توان قد کشیدن در این چهار دیواری کوچک را دارند. با نیره به گفتگو نشستیم. نیره از فرزندان این خانه نیست، اما همیشه با فرزندان این خانه هست و با همین بچه‌ها زندگی می‌کند. نیره ناشنواست. شنیدن و صحبت کردن برایش سخت است اما با وجود سختی و دشواری، از او خواستیم با زبان ایما و اشاره، پنجره‌ی دلش را برایم باز کند و از غربت گلدان شمعدانی اتاقش برایم بگوید و از بهانه‌های گاه و بی‌گاه دلش و داستان زندگی‌اش: نیره، ۳۹ سال سن دارد و از وقتی یادش می‌آید - شاید از هفت، هشت سالگی - در مراکز بهزیستی زندگی می‌کرده‌است. پدر و مادر برای هر کسی از بارزش ترین‌های زندگی هستند و نیره تمام این سالها





از آرزوهایش می گوید که دلش می خواهد خانه‌ای بزرگ داشته باشد و تمام ناشنواهایی که بی سرپرست هستند را خودش بزرگ کند. دلش می خواهد تمام مردم دنیا زبان اشاره را یاد بگیرند و صبوری بیشتری با ناشنواها داشته باشند. سریع به افراد ناشنوا برچسب مجنون و نفهمیدن زنند و در کوچه و بازار مسخره‌شان نکنند. اشک می‌ریزد و می‌گوید وقتی به همدم آمدم خواب مادرم را دیدم و با اینکه از تصویرش چندان چیزی به خاطر ندارم، در خوابم آمد و به من گفت از اینجا راضی هستی و گفتم خیلی زیاد. گلدان‌ها و عروسک‌هایم را نشانش دادم و وقتی رفتم برایش آب بیاورم گویی از اتاقم رفته بود. اشکهایش را پاک کرد و گفت خدا را هزاران بار شکر می‌کنم که در همدم هستم چون اینجا را واقعاً دوست دارم، فرزندانم را و مسئولین مهربانش را... از اتاق کوچک زیبایش بیرون آمدم. احساس کردم تا پرنده شدن فاصله‌ای نیست وقتی پا به پای در یادلان می‌نشینی بزرگ می‌شوی و سراب‌های دنیا برایت بی‌ارزش می‌شوند و پی به ارزش‌های واقعی زندگی می‌بری. در دل از زندگی پر از تنهایی نیره پروانه‌ای ساختم و در سخاوت آسمان آبی همدم رها کردم تا در دستان یکایک ما بنشینند و مهربانی و قدردان بودن را یادمان بدهد. تا یادمان بدهد برای شنیدن دردها نیازی به گوش و شنوایی سالم نیست، برای هم‌دردی نیازی به تکلم بی‌اشکال نیست و برای خواندن هق‌هق‌های کودکان و فرزندان بی‌سرپرست این خانه نیازی به داشتن سواد نیست. باید انسان باشیم مبادا روزی حسرت پرواز و سبکبالی در دلمان بماند...

قبل در کنار همان بچه‌های بی‌سرپرست بودم و در حال خدمت به آنها ولی به عنوان کارمند. دوازده سال مرکز شهید قدوسی بودم. چهار سال اداره پذیرش و هماهنگی بهزیستی، شش سال شیرخوارگاه حضرت علی اصغر «ع». تمام این سالها با عشق کار کردم. در مرکز علی اصغر «ع» بچه‌ها کوچک و خردسال بودند. تحمل غم آنها برایم به شدت سخت بود. مدام به یاد سرنوشت خودم می‌افتادم و بزرگ شدنم در تنهایی و بی‌کسی‌ام؛ تا اینکه به همدم منتقل شدم. از همان ابتدای ورودم به همدم اینجا با تمام مراکز دیگر برایم فرق داشت. مسئولین با عشق خالصانه‌ی بسیار زیادی با دختران این خانه برخورد می‌کردند و محیط همدم برایم متفاوت و بسیار دلنشین بود. روز اول که وارد سرای مهر شدم زینب گوشه‌ای آرام روی تختش خوابیده بود و توجهم به او جلب شد و همانجا از خدا خواستم با وجود اسپاسم شدید عضله‌ی دستان زینب به من کمک کند تا به او گلدوزی یاد بدهم و حالا زینب با وجود شرایط خاصش به زیبایی هرچه تمام‌تر گلدوزی می‌کند. از آمدنم به همدم هشت سال می‌گذرد و به لطف مدیران این مجموعه اتفاقی را در اختیارم گذاشتند برای زندگی و در خیاط‌خانه مشغول به کار شدم و بعد از مدتی به من کلاس دادند. اتاقم را به شدت دوست دارم چون مستقل هستم و از طرفی در کنار فرزندان بی‌سرپرستی زندگی می‌کنم که زندگی مشابه من داشتند و آنها را درک می‌کنم. بعد از ظهر که می‌شود بیرون از خوابگاه و در حیاط فرش پهن می‌کنم و با بچه‌های ناشنوا می‌کنم. در مرکز همدم درس کار می‌کنم. در حین صحبت اشک پهنای صورت نیره را در بر می‌گیرد.

حقیقت

• تصویرگر: فرزانه رییس الساداتی

پادشاهی تصمیم گرفت برای پسرش همسری اختیار کند. پدر دستور داد یکصد دختر زیبا جمع کنند تا برای پسرش همسری انتخاب کند. او همه‌ی دخترها را جمع کرد و به هر کدام بذری داد و گفت: طی سه ماه آینده هر کس با این بذری زیباترین گل را پرورش دهد عروس من خواهد شد. دختران دست به کار شدند و در میان آنها دختر فقیری بود که در روستا زندگی می‌کرد. او با مشورت کشاورزان روستایش بذری را در گلدان کاشت، اما در پایان ۹۰ روز هیچ گلی سبز نشد. خیلی‌ها گفتند که دیگر به جلسه نهایی نرو، اما او گفت: «نمی‌خواهم که هم ناموفق محسوب شوم و هم ترسو». روز موعود پادشاه دید که ۹۹ دختر هر کدام با گل‌هایی زیبا آمدند سپس از دختر روستایی دلیل را پرسید و جواب را عیناً شنید. آنگاه رو به همه گفت: قصد من این بود که صادق‌ترین دختر را بیابم! تمام بذری‌ها که به شما داده بودم عقیم و نابارور بود، اما همه‌ی شما نیرنگ زدید و گل‌هایی دیگر آوردید، جز این دختر که حقیقت را آورد!





خبرها کهنه نمی شوند. مشروح
اخبار همدم را می توانید در فضای
مجازی دنبال کنید، اما اشاره‌ای
کوتاه در این صفحات برای یادآوری
مهربانی و تشکر از دوستان همدم است.
عکس: اکرم ابراهیمی

خبرهای خوب این خانه

مروری گذرا، بر رخداد‌های سه‌ماه گذشته‌ی همدم

 www.hamdam.org



@hamdamcharity



@hamdam.charity

حضور صبحگاهی شهردار در همدم

دکتر محمد رضا کلائی (شهردار مشهد مقدس) در اولین ساعت کاری هفتم اسفند ۹۷، جهت تبریک روز زن، در میان دختران بی سرپرست موسسه‌ی خیریه‌ی همدم حضور پیدا کرد.



مامیزبان گشایش جشنواره‌ی ملی عروسکی رضوی، بودیم

آیین افتتاحیه‌ی دوازدهمین جشنواره‌ی ملی تئاتر کودک و نوجوان و نمایش عروسکی رضوی، در تالار همدم و با حضور مدیران ارشد فرهنگی هنری خراسان رضوی و هنرمندان و پیشکسوتان تئاتر استان برگزار شد.



بازدید دوتن از مدیران فرهنگی استان از کارگاه‌های هنری این خانه

دکتر افشین تحفه‌گر (معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی) و ابراهیم زره‌ساز (مدیر کل کانون پرورش فکری خراسان رضوی) از کارگاه‌های هنرمندان همدم بازدید و اراده‌ی راسخ اهالی این خانه را تحسین کردند.



معاون رئیس جمهور در غرفه‌ی همدم

در روزهای پایانی سال ۹۷، دکتر معصومه ابتکار (معاون امور زنان و خانواده‌ی رئیس جمهور) از غرفه‌ی توانمندی‌های دختران همدم در نمایشگاه بین‌المللی مشهد بازدید کرد.





بازدید سرپرست سازمان تامین اجتماعی کشور، از همدم کشور، از همدم

حضور محمدحسن زدا (سرپرست سازمان تامین اجتماعی کشور) در همایش گرامیداشت مقام و سیره‌ی شهدا و بازدید پر مهر و صمیمانه‌ی ایشان از موسسه و احوالپرسی از فرزندان توانبخشی همدم، خاطر‌ساز بود.



دیدار مسئولان، با فرزندان این خانه

محسن نصرپور (مدیرکل صداوسیما خراسان رضوی) و نصرالله پیمانفر (نماینده‌ی دوره‌ی نهم و دهم مجلس شورای اسلامی) با دلی پر مهر، با فرزندان بی‌سرپرست توانبخشی همدم دیدار کردند.



ارسال کمک

برای هموطنان سیل زده‌ی گلستان

هفتم فروردین ۹۸، هدایای فرزندان این خانه، برای هموطنان سیل زده‌ی گلستان ارسال شد تا بگویند: شما تنها نیستید، دوستان همدمی فراموش‌تان نخواهند کرد...



عید دیدنی اخلاقی ستاره‌ی سینما

رضا اخلاقی راد (بهترین بازیگر نقش اول مرد در جشنواره‌ی فیلم آنتالیا) ضمن بازدید از همدم گفت: «آغاز سال نو در کنار دوستان جدید همدمی‌ام رابه فال نیک می‌گیرم و امیدوارم از برکات این آشنایی بهره‌مند شوم.»

باد، یکی از گل این باغ را برد

در روزهایی که حرف از بهار و باران و گل بود، یکی از دختران این خانه؛ عارفه سادات عزیز، که چشم خندانش پنجره‌ی سرای مهر به سمت خدا بود، ناگهان رفت و داغ دارمان کرد. خاطره‌ی عارفه و لطفی را که پدرش به همدمی‌ها دارد، فراموش نمی‌کنیم.



دیدار همدمی‌ها با آتش نشانان هم‌شهری

مدیرعامل همدم و همراهان، سال نو و مسئولیت تازه را یکجا به دکتر عزیزی (مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد) و همکارانشان تبریک گفتند.



همدمی‌ها

روز جانباز را به جانبازان عزیز تبریک گفتند

همدمی‌ها، ضمن سرزدن به آسایشگاه امام خمینی (ره) میلاد بزرگ جانباز دشت کربلا حضرت ابوالفضل العباس (ع) را به جانبازان عزیز تبریک و شادباش گفتند.



نیکوکاران همدمی؛ افطارها و دیدارها

مراسم معنوی افطار و جشن تولد برای فرزندان اردیبهشت‌ماهی موسسه‌ی همدم، با استقبال و حضور جمعی از مردم مومن، خیرین و تنی چند از سفیران هنرمند همدم، برگزار شد. در ماه مبارک رمضان نیکوکاران همدمی، با حضور و دیدار با فرزندان همدم و برگزاری مراسم افطارشان در سالن‌های همدم و تامین بخشی از هزینه‌های موسسه یا با دعوت دختران این خیریه به منازل خود، اوج نیکی و دستیاری و انسان دوستی را به نمایش گذاشتند که از یکایکشان صمیمانه متشکریم.



همدم؛ میزبان استاندار خراسان رضوی و اعضای اتاق بازرگانی



در شامگاه یازدهمین روز از ماه میاک رمضان، به دعوت اتاق بازرگانی خراسان رضوی و بر سفره‌ی موسسه‌ی همدم، علیرضازم حسینی و جمعی از تجار و مدیران صنایع خصوصی و دولتی استان و ایران گرد آمدند تا ضمن صرف افطار، آستین خیر بالا بزنند و مبالغی برای یاری موسسه‌ی همدم و کمک به آزادی زندانیان، گردآورند. استاندار خراسان رضوی، در پایان حضورش در همدم، ضمن آرزوی موفقیت برای همه، گفت: «باتوجه به تجارب ارزنده‌ی مدیران موسسه‌ی همدم، امیدواریم زمینه‌ای فراهم شود که با کمک‌های شما، این خیریه ضمن تکمیل پروژه‌ی توسعه‌ی فضای موسسه، برای مراقبت توانبخشی و آموزش تعداد بیشتری از معلولین عزیز، بسترسازی کند.»



سفر همدمی‌ها به کیش، به همت یک نیکوکار همدمی

به همت جناب حاج محمود مادرشاهیان، جمعی از همکاران و فرزندان موسسه‌ی همدم، در خردادماه ۹۸ به جزیره‌ی کیش رفتند و میهمان محبت‌های بی‌دریغ این خیر بزرگوار، بودند.





درختی شیرین، که در اسفند شکوفه داد!

گزارشی از جشنواره‌ی آجیل و شیرینی نوروزی همدم - اسفند ۹۷

• محمدرحیمی

قرار گرفت و گفت: «اینکه عواید خرید از این بازارچه‌ی باشکوه، به ۴۰۰ فرزند بی‌سرپرست موسسه می‌رسد، مصداق فراهم کردن زمینه‌ی مشارکت عموم مردم در امر خیر است؛ خصوصا در پایان سال و در شهر امام رضا(ع). شهری که مردمانش به مهربان بودن و دستگیری از افراد تنها و بی‌سرپرست مشهور هستند. اتفاق عجیبی که با زبان نمی‌توان بیانگر آن باشم، طلبیده شدن من توسط امام مهربانی‌هاست. در این ایام مشغول فیلمبرداری از کاره‌های بودیم و فکر نمی‌کردم فرصتی باشد تا در سال ۹۷ توفیق زیارت مشهد را داشته باشم اما خداوند دعایم را مستجاب کرد و با هماهنگی همکارانم فرصت شد به خراسان بیایم و چشمم به دیدار حرم امام هشتم (ع) و فرزندان همدم روشن شود. امیدوارم هنرمندان خوب ایران عزیزمان بتوانند، همراه با سایر مردم نیکوکار و خوب خراسان به بچه‌های ساکن این موسسه سر بزنند و آنها را تنها نگذارند.»

در شب دوم این بازارچه، مهدی یغمایی (آهنگساز و خواننده) اجرای مشترکی با تکتم همدم داشت و پس از آن امیررضا دلآوری (بازیگر سینما) با فروتنی در جایگاه حاضر شد و گفت: «روزهای پایانی سال معمولاً به کارهای شخصی‌ام می‌رسیدم ولی امسال خدا را سپاسگزارم که در جمع صمیمی مردم نیکوکار مشهد و فرزندان معصوم همدم حاضر شدم و از نزدیک شاهد همدلی و مهربانی جمعی از بهترین هموطنانم هستم؛ مردمی که در هر لحظه و با هر شرایط اقتصادی که داشته باشند، اهالی همدم را تنها نخواهند گذاشت.»

جشنواره‌ی آجیل و شیرینی همدم، عصر چهارشنبه ۲۲ اسفند ۹۷ به همت و همکاری گروه «لبخند کودک» و با حضور جمع قابل توجهی از مردم نیکوکار مشهد، تنی چند از هنرمندان نامی کشورمان، اصحاب رسانه و فعالین اقتصادی خراسان رضوی، در محل باغسرای دیزدر شاندریز، رسماً آغاز شد. در این جشنواره هم، همچون پنج جشنواره‌ی قبلی آجیل و شیرینی همدم، مردم نیکوکار کشورمان، ضمن تهیه‌ی ملزومات شب عید خانواده از بازارچه، از غرفه‌ی صنایع دستی موسسه نیز دیدار کردند و با مجموعه‌ای از آثار و محصولات صنایع دستی و سایر توانمندی‌های فرزندان این خانه آشنا شدند. در شب اول جشنواره و در بخش جانبی، با حضور تعدادی از چهره‌های هنری و ورزشی کشورمان، آیین تولد چهار نفر از فرزندان اسفندماهی موسسه نیز برگزار شد. در ابتدای این بخش از مراسم و بعد از اجرای دکلمه‌ی ندا که به نوعی خوش آمدگوی میزبان برنامه به حضار بود، گروه سرود آوای همدم به اجرای برنامه پرداخت که با تشویق و تحسین متوالی حاضرین روبرو شد. در ادامه، مهدی جهانی (خواننده‌ی پرطرفدار کشور)، همراه با متولدین اسفندماهی موسسه در جایگاه حاضر شد و گفت: «قبل از حضور در همدم و این بازارچه‌ی پرشور، با همکاران و دوستان زیادی مشورت کردم و پس از اینکه خیالم از اعتبار و درست‌کاری موسسه‌ی خیریه‌ی همدم راحت شد، قبول کردم در این برنامه حاضر شوم.»

در ادامه‌ی برنامه، نگین معتمدی (بازیگر سینما و تلویزیون)، در جایگاه



لبخند نوروز، با اشتیاق آغاز شد، با بی میلی تمام؛

در سومین شب از این بازار چه، همشهریان وفادار ما آمدند تا هم‌نوا با خادمین موسسه، از ۵۰ جوان مهربان شهرمان تشکر کنند و به آنها بگویند دلمان به شما و بودن و ادب و معرفت‌تان خوش است؛ ما به بودن گروه لبخند کودک در شهر امام رضا (ع) افتخار می‌کنیم و از اینکه در زمانه‌ی گرانی‌ها و تورم و فشار اقتصادی، فرزندان موسسه‌ی خیریه‌ی همدم را فراموش نکرده‌اید، سپاسگزارتان هستیم. در این شب، علی عبدالمالکی (خواننده و آهنگساز) به جایگاه رفت و گفت: «باور کردن هنر و توانایی فرزندان همدم، کار آسانی نیست؛ امروز کنار دار گلیم‌بافی و میز قلم‌زنی آنها نظاره‌گر کار حیرت‌انگیزشان بودم. مطمئنم خداوند این نقطه‌از جهان را به‌طور خاصی آفریده است. البته همه‌ی این اتفاقات خوب را مدیون حضور امام هشتم (ع)، خادمین عاشق به بچه‌ها و مردم مهربان و یابوری آنها هستیم.» همزمان و در اجرای برنامه‌ی همت عالی، علیرضا مسلمی (کمدین و صداپیشه) در جایگاه به اجرای برنامه‌های هنری پرداخت و در صحبت‌های کوتاهی گفت: «همدم در همه‌جای ایران نام و نشام خاص خودش را دارد. امروز از هر هنرمند و ورزشکار ملی می‌توانید آدرس دقیق همدم را بپرسید. امشب حس خوبی دارم و فکر می‌کنم این حس‌ی که در میان مردم نیز موج می‌زند، نتیجه‌ی زحمات و عشق خادمین موسسه و گروه مهربان و کوشای لبخند کودک باشد.» در ادامه، خادمین موسسه به پاس قدردانی از زحمات گروه لبخند کودک، ضمن غافلگیر کردن سامان مصطفایی (مدیر این بنیاد)، تولدش را به صورت نمادین جشن گرفتند و از زحمات چند ساله‌ی آنها در برپایی بازارچه‌های نوروزی تقدیر کردند. آقای مصطفایی نیز به نیابت از همکاران و دوستانش در این بنیاد خیریه گفت: «جمعیت ۵۰ نفره‌ی بنیاد لبخند کودک، با امید به زندگی و آموزش بهتر ۴۰۰ دختر بی‌سرپرست موسسه‌ی خیریه‌ی همدم در چند ماه اخیر بصورت بی‌وقفه، فعالیت کردند و امشب خوشحالیم که نتیجه‌ی مطلوبی به دست آمد. ما همیشه از مردم و مسئولین خواسته‌ایم به جوانان کشور اعتماد کنند و از خانم دکتر حجت بخاطر این اعتماد‌سازی و همکاری صمیمانه‌شان تشکر می‌کنیم.» جشنواره‌ی آجیل و شیرینی همدم در اسفند ۹۷، در حالی پایان گرفت که ماهالی همدم، فرصت دیگری پیدا کردیم تا در قالب این مراسم عمومی شادی، سیمای نیکوکاری و همیاری مردم ایران را تماشا و خدای بزرگ را برای داشتن چنین مردم مهربان و فداکار و همیشه همراهی، شکر کنیم.





شب قدری که دل همدمی‌ها را برق انداخت...

گزارشی از حال و هوای مراسم احیای ۲۳ رمضان در خیره‌ی همدم
• گلپه‌ار جعفری

می‌برند» بغض خیلی‌ها شکست و مراسم کم‌کم رنگ واقعی‌اش را پیدا کرد... زینب گوشه‌ی چادر مربی‌اش را گرفته بود و ساکت به مناجات خوانی و دعای جوشن کبیر و پس از آن به مراسم قرآن به سرگیری خواهرانش گوش می‌داد و نگاه می‌کرد. سکوت زینب تا جایی ادامه داشت که نوبت به قسم دادن امام هشتم رسید... بچه‌ها به تقلید از حاج آقا رو به گنبد طلایی پدر مهربان‌شان ایستادند و اشک امان‌شان نداد. بچه‌ها خودشان بی‌ریا و ساده دعای می‌کردند و مداح مراسم یک‌ریز اشک می‌ریخت و ساکت شده بود. انگار او داشت به تقلید از دل‌های صاف بچه‌ها، شبی کاملاً متفاوت از سایر مراسم شب قدر زندگی‌اش را تجربه می‌کرد... بچه‌های همدم چقدر بی‌ریا می‌شوند وقتی اسم امام رضا و مهربان‌ترین آقای این عالم را می‌شنوند... زینب هم بغضش شکسته بود و زیر لب می‌گفت: «چرا مادر مو از من گرفتی؟ من تازه به او عادت کرده بودم. سهم من خانی مهربان بود که گاهی به من سر می‌زد و با رفتنش دوباره یتیم شدم». زینب حق‌گریه می‌کرد و آقای روحبخش خداوند را به شاه خراسان قسم می‌داد که آرامش و امنیت و مهربانی را از مردم ایران نگیرد و دوستان همدم را در سایه‌سار عظمتش حفظ کند... مراسم تمام شد. در میان بهت میهمانانی که آمده بودند دو ساعت گذشت و آنها اصلاً فکر نمی‌کردند زمان به این سادگی و سبک‌بالی سپری شده است. آنها باور داشتند این نشاط خاص معنوی که نصیبشان شده، به خاطر حضورشان در کنار اهالی همدم است... اما زینب دوباره امشب به آرزویش رسیده بود. خداوند همدم، آقای مهربان را با کادویی زیبا پیش زینب فرستاده بود تا جای مادرش را برایش بگیرد. آقای نجفی پور، همسر مرحوم خانم رهنما بود که می‌خواست و می‌خواهد ادامه‌دهنده‌ی کار خوب همسر زنده‌یادش باشد. او دست‌نوازش به سر زینب کشید و به او گفت: «از این به بعد من بابای تو هستم. بابایی که لیاقت آمدن به این خانه را پیدا کرده است. زینب جان، برای خانم خدایم‌رزم دعا کن و امشب از خداوند بخواه آرامشی ابدی داشته باشد». چشمان زینب برق می‌زد. تشکر کرد و رفت و چند قدم که دور شد برگشت و بعه آقای نجفی پور گفت: «خیالت راحت باشد مادرم در بهشت زندگی می‌کند. من چند بار خوابش را دیده‌ام...»

بچه‌های همدم، از چند روز پیش که صدای مناجات خوانی و دعاهای مخصوص شب‌های قدر را از تلویزیون دیده یا از بلندگوهای مساجد و حسینیه‌های اطراف خوابگاهشان شنیده بودند، مشتاقانه منتظر فرارسیدن شب ۲۳ رمضان بودند تا خودشان میزبان برنامه‌ی معنوی شب قدر باشند. انگار آنها هم می‌دانستند که زمان محتاج دعای فرشته‌هاست و این شهر، شب قدری به بچه‌های همدم بدهکار است... بچه‌ها، از صبح سه‌شنبه هفتم خرداد ۹۸، دل توی دلشان نبود. خوشحالی و هیجان از رفت و آمدهای‌شان به بخش اداری و سوال پرسیدن تک‌تک‌شان دیدنی بود. دوست داشتند خودشان از همکاران بخش اداری ماجرای امشب را بشنوند و خیال‌شان راحت باشد که برنامه‌ی شب قدر حتماً برگزار خواهد شد. این میان‌اما، زینب خوشحال نبود. زینب، دو سال قبل، در همین شب‌های قدر و در میان آرزوهای بچه‌گانه‌اش از خدا خواسته بود، مادری مهربان برایش دست و پا کند و او هم دست‌های مهربان مادرش را به بچه‌های خوابگاه نشان دهد و به آن پز بدهد... زینب چند روز بعد از آن شب قدر به یادماندنی، به آرزویش رسید. خیلی زود... مثل تمام آرزوهای اهالی این خانه که زود مقدر و مستجاب می‌شود اما پروانه‌ی باورش عمری کوتاه داشت و همان دست تقدیر، مادر تازه یافته‌اش را از او گرفت. بعد از آن ماجرای تلخ، زینب حتی به دوستانش گفته بود که با خدا قهر کرده و تا چند ماه با کسی درست و حسابی حرف نمی‌زد... ساعت نه و نیم شب که شد، میهمانان برنامه از راه رسیدند. حاج آقای روحبخش به همراه مداح خوش صدایی از گروه مذهبی «پشتیبان من» قبول زحمت کرده بودند و اجرای برنامه‌ی امشب را به عهده داشتند. قبل از شروع و رسمی شدن برنامه، حاج آقای روحبخش از فرصت استفاده کرد و از بچه‌ها در مورد آداب شب قدر سوال می‌پرسید. بچه‌های همدم کم و بیش جواب درست می‌دادند. در مورد نزول قرآن و از راه رسیدن فرشته‌ها بر روی زمین صحبت شد. در مورد اینکه این فرشته‌های مهربان وظیفه دارند دعا و نیایش و خواسته‌های ما را با دقت مکتوب کنند و به دست خود خداوند برسانند. اما آنجا که حاج آقا گفت: «امشب فرشته‌های آسمانی چقدر خوشبخت‌اند که میهمان اهالی همدم و فرشته‌های زمینی مشهد خواهند شد و دعا و درخواست آنها را به آسمان

فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی) ضمن امضای پوستر ارکستر گفت: «اجرائی که دیدیم در حقیقت یک رویداد اجتماعی بود. هر چند ظاهر کار زیباشناسانه و صرفاً هنری بود اما تأثیرات اجتماعی فراوانی می‌تواند داشته باشد. جای بسی خوشحالی است که اعضای این گروه از سراسر کشورمان شکل گرفته‌اند و توانسته‌اند هم در جمع خود و هم در شکل ارائه‌ی اثرشان، اثری چنین جذاب خلق کنند که حاوی مضامین اتحاد همه‌ی اقوام ایرانی و صلح جهانی است. مضامین این کنسرت، بین‌المللی است و قطعاً تأثیرات فراملی فراوان دارد و باعث افتخار ما مشهدی‌هاست.»

همچنین، محمد جواد استادی (رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد) نیز که در مدت سه شب خود و همکاران پر تلاش‌شان در سالن همدم حضور داشتند و با صمیمیت مثال زدنی، زمینه‌ی این اجرای متفاوت و مردمی را سرپرستی و هدایت می‌کردند، در خصوص اجرای این گروه گفت: «دو نکته‌ی ویژه در این اجرا مشاهده شد که می‌توانم ابتدا به یک اجرای سالم و فاخر در حوزه‌ی موسیقی در مشهد اشاره کنم که بعد از مدت‌ها شاهد آن بودیم. دوم اینکه؛ نوازندگان ارکستر بچه‌هایی با شرایط خاص هستند و ممکن است به نظر بعضی از افراد جامعه‌ی ما، ناتوان نامیده شوند، در حالی که چنین نیست و این اتفاق بی‌نظیر علاوه بر اثبات این مهم، نقطه قوت مشهد را می‌رساند، به ویژه در حوزه‌ی خدمات بهزیستی و توجه خیریه‌ی همدم به این مقوله و نیز در حوزه‌ی مدیریت و پشتیبانی نهادهای دولتی از این تلاش، که تأثیرات بسیار مثبتی روی مخاطبین مشهدی دارد و ما به‌عینه دیدیم.»

در شب‌های سه‌گانه‌ی برگزاری برنامه از سوی ارکستر ملی ویژه‌ی ایران، علاوه بر شهردار مشهد، جمعی از مدیران شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر نیز در میان مخاطبین حضور داشتند که آنها نیز با تحسین اجرای موفق بچه‌های گروه، خادمین همدم و همکاران هنری‌شان را به ادامه‌ی این راه تشویق و امیدوار کردند. بتول گندمی (عضو شورای اسلامی شهر) در پایان اجرای شب دوم گفت: «توانایی‌هایی در سطح عالی مشاهده کردیم. این بچه‌ها ثابت کردند که معلولیت می‌تواند باعث شگفتی شود و کاملاً آن را به رخ کشیدند. به نظرم اجرای بسیار فوق‌العاده‌ای بود و شگفتی خلق کردند، امشب حس خوبی به من القا شد که تاکنون در هیچ برنامه و اجرای موسیقی حس نکرده بودم. ما در شورای اسلامی شهر مشهد، ضمن حمایت همه‌جانبه‌ی اینگونه فعالیت‌های ویژه و ارزشمند، معتقدیم می‌بایست نگاه جامعه را به معلولین عوض کنیم و ایمان داریم همه‌ی آنها می‌توانند مثل همین بچه‌ها در عالی‌ترین سطوح حضور پیدا کنند چرا که معلولیت اصلاً محدودیت نیست.»

دکتر امیر عزیزی (مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد) نیز که دو شب متوالی به همراه همکاران برای تماشای این برنامه در تالار همدم حضور یافته بود، نظرش را در مورد برنامه اینگونه توضیح داد: «قدرت و توان این بچه‌ها بسیار بالاست. جنبه‌های هنری و اجتماعی آن غیر قابل وصف است و انسان را به فکر وامی‌دارد که خداوند متعال چه قوت و اراده‌ای در این گروه به ودیعه گذاشته است. ما در شهرداری مشهد و حوزه‌ی مدیریت شهری، امیدواریم از تمام نیروها و روابط ملی و بین‌المللی مان استفاده کنیم تا کل مردم ایران و حتی دوست‌داران این هنر در سایر کشورهای جهان، با این اثر فاخر و نمونه آشنا شوند.»

سه شب، شادی و شگفتی و نیکوکاری...

● مروری بر فراز و فرود سه شب شور و شادی، با برگزاری ارکستر ملی ویژه در همدم



اوایل اردیبهشت‌ماه ۹۸، نیکوکاران و هنردوستان شهرمان مشهد، شاهد سه شب اجرای زیبای ارکستر ملی ویژه‌ی ایران، در تالار موسسه‌ی خیریه‌ی همدم بودند. کمک به سیل زدگان نوروز ۱۳۹۸ کشورمان، به مردم مشهد این انگیزه را داد تا در حضور مدیران نهادهای دولتی و خصوصی هنرمندان و اصحاب رسانه و با تقبل زحمات و هنرمندی بسیار فرزندان معلول این سرزمین، چهارم تا ششم اردیبهشت‌ماه، شاهد سه شب اجرای ماندگار و اثرگذار ارکستر ملی ویژه‌ی ایران باشند. در ابتدای این سه شب و قبل از حضور اعضای گروه، دکتر زهرا حجت (مدیرعامل موسسه) به عنوان میزبان در جایگاه حضور پیدا کرد و پیرامون چگونگی و انگیزه‌های برگزاری این برنامه سخن گفت: «ماه مبارک شعبان ماه تولد بزرگان دین و شادی اهل بیت (ع) است؛ ما به همین مناسبت‌های فرخنده و به جهت حمایت از سیل‌زدگان عزیز کشورمان که در آغاز سال دچار مشکلات شدیدی شدند، با همکاری خانم مریم گیلاسیان (رهبر ارکستر ملی ویژه‌ی ایران)، اقدام به برگزاری اجرای صحنه‌ای ارکستر ملی ویژه‌ی ایران کردیم که توسط مردم خیر و مسئولین خداجوی نهادهای دولتی و خصوصی خصوصاً مدیران و کارکنان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد و همچنین اداره کل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی، حمایت شد و نهایتاً سه شب در خدمت ۲۱ نفر از نوازندگان دارای معلولیت کشورمان بودیم و خوشحالیم که بخشی از عواید حاصل از فروش بلیت، به سیل‌زدگان عزیزمان اختصاص پیدا خواهد کرد.»

در اولین شب از این ایام خاطر انگیز، دکتر جعفر مروارید (مدیر کل



در سومین شب، امیر کربلایی زاده (هنرمند سینما و تئاتر) و رضا یزدانی (خواننده و آهنگ‌ساز) در میان حضار تا انتهای برنامه حضور داشتند و هر کدام ضمن تمجید از این رویداد ارزشمند هنری، نظرشان را با خبرنگار مادر میان گذاشتند؛ کربلایی زاده گفت: «حس و حال قابل وصف نیست و نمی‌توان کلمه و جمله‌ی خاصی برای بیان آن پیدا کرد. فقط می‌توانم بگویم که به شدت لذت بردم. این همه تلاش و کوششی که دیدیم نتیجه‌ی فعل خواستن خادمین و مربیان و بچه‌های گروه بود. از خداوند ممنونم امشب اینجا بودم و اثر ماندگار خانم گیلاسیان و ارکستر ملی ویژه‌ی ایران را دیدم؛ اثری که قطعاً ماندگار و تاریخ‌ساز خواهد بود. شما به خوبی از زبان هنر جهت معرفی این بچه‌ها استفاده کرده‌اید و همچنین توانسته‌اید هنر را به خدمت بگیرید و حال بچه‌ها را خوب کنید و آنها حال همه‌ی ما را دگرگون کردند.»

رضا یزدانی نیز که خودش از خوانندگان موفق کشورمان است، در مورد اجرای ارکستر ملی ویژه‌ی ایران، اینطور گفت: «من واقعا غافلگیر شدم اینکه دختری که دارای سندروم داون است به زیبایی پیانو بنوازد یا کسی که نابینا است از عهده‌ی نواختن گیتار بر بیاید چیزی نیست که بتوان معیار خاصی در موفقیت برای آن تعیین کرد. باید واقعا از خداوند سپاسگزاری کنم که امشب در همدم شاهد این شکوه و جلال و هنرنمایی بودم. من از همه‌ی مربیان خصوصاً خانم گیلاسیان هم باید تشکر کنم و می‌دانم چقدر باید ایمان و انرژی و صبر داشته باشی تا به این درجه برسی و محصولی چنین داشته باشی. همچنین امیدوارم موسسه‌ی خیریه‌ی همدم همیشه منبع خیر و برکت و هنرمندی برای ایران عزیزمان باشد.»

مریم گیلاسیان هم به عنوان همراه همیشگی و رهبر هدایت‌گر ارکستر ملی ویژه‌ی ایران، از همکاری و پشتیبانی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر مقدس مشهد و همچنین اداره کل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی و موسسه‌ی همدم در این اجرای موفق، به‌طور ویژه و صمیمانه سپاس‌گزاری و برای هیأت مدیره و مدیریت و کارکنان همدم، به کرات آرزوی خیر و توفیق کرد. البته، ارکستر ملی ویژه‌ی ایران میهمانان دیگری هم داشت که می‌توان به خانم نرگس آبیاری نویسنده، کارگردان و فیلمنامه‌نویس موفق کشورمان اشاره کرد که با لطف و مهربانی در کنار سایر مردم مهربان خراسان، به اجرای بچه‌های گروه، توجه ویژه‌ای داشت. از همه‌ی عزیزانی که همدم را در برقراری این برنامه یاری کرده‌اند، بویژه از مدیر عامل باشگاه فرانگران جناب آقای احسان مصطفوی صمیمانه سپاس‌گزاریم.



محفلی قرآنی، با استانداردهای جهانی...

• گزارشی از برگزاری جلسه‌ی انس باقرآن در همدم



از سوره‌های «آل عمران»، «رعد»، «طه» و «مائده» را تلاوت کرد. در ادامه این محفل نورانی، عبدالجلیل اشرفی از قاریان ممتاز خراسان رضوی آیاتی از سوره «ابراهیم» و همچنین سوره «فاتحه» را تلاوت کرد و پس از آن گروه تواشیح و همخوانی فدک الزهرا(س) قطعه «اسماء الحسنی» و اثری با نام «یا زائر» را به دو زبان عربی و فارسی تقدیم به ساحت قدسی حضرت رضا(ع) کردند. پایان بخش برنامه‌های قرآنی این محفل از سلسله کرسی‌های تلاوت رضوی قرائت حمید شاکرنژاد بود که این قاری بین‌المللی نیز به تلاوت آیات ۹۵ تا ۱۰۱ از سوره «انعام» و همچنین سوره «بلد» پرداخت. این قاری بین‌المللی کشورمان، ضمن ابراز رضایت از حضورش در محفل انس باقرآن همدم گفت: «با عنایات خداوند متعال و حضرت رضا(ع) در ماه مبارک رمضان، از سوی نهادهای مختلفی در داخل و خارج از کشورمان جهت تلاوت قرآن کریم دعوت می‌شوم، اما امسال در اوایل این ماه پر فیض و برکت، تصمیم گرفتم دعوت خیریه‌ی همدم را اجابت کنم و خدا را شکر می‌کنم که خادمین این موسسه‌ی خیریه در کنار وظیفه‌ی نگهداری و توانبخشی ۴۰۰ دختر بی‌سرپرست، به مسائل دینی و برگزاری مراسم قابل قبول و استانداردهای قرآنی نیز توجه خاصی دارند. امیدوارم اینگونه برنامه‌ها هر سال فراخور شهر مقدس مشهد و همچنین این موسسه‌ی پویا و باارزش، برگزار شود». در ابتدای این مراسم نیز، نماز مغرب، به جماعت و باشکوه تمام در محوطه‌ی همدم برگزار شد و آقای دکتر مهدی رجبی (مدیر گروه تواشیح فدک الزهرا(س) و مؤذن حرم مطهر رضوی) به زیبایی و تسلط کامل، به اجرای نوای روحانی اذان مغرب پرداخت.

امسال هم، فرزندان و خادمین موسسه، همچون سالهای گذشته میزبان جمعی از قاریان و حافظان بین‌المللی کشورمان بودند و محفل انس باقرآن همدم را در ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸، با شور و شوقی لبریز از روحانیت و معنویت، برگزار کردند. این محفل نورانی، با عنوان "انس باقرآن"، همچون سنوات گذشته با حضور مردم‌روزه‌دار و خداجوی مشهد، فعالین و علاقمندان مراسم دینی-مذهبی و قاریان و اساتید قرآنی بین‌المللی و با همکاری صمیمانه‌ی مرکز قرآن کریم آستان قدس رضوی، با هدف استفاده از روحانیت و انوار معنوی این کتاب آسمانی، در تالار همایش‌های این موسسه‌ی خیریه برگزار شد. در این مراسم معنوی که روز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸، بعد از افطار ششمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد، جمعی از مدیران و روسای ادارات استان هم حضور داشتند که از آن جمله می‌توان به حضور دکتر پور یوسف (مدیر کل بهزیستی استان) جناب سرهنگ کمالی (رییس سازمان بسیج ادارات استان) دکتر قاسم زاده (مدیر کل فرودگاه‌های استان)، حاج آقای آقا محمدیان (مدیر عامل جامعه قاریان قرآن مشهد)، حجت‌الاسلام کاظمیان پور (مدیر گروه معارف صدا و سیما استان) و تعدادی از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد اشاره کرد که در کنار اهالی رسانه و جمعی از شهروندان مشهدی از قرائت قرآن و برنامه‌های حفظ‌خوانی این شب، بهره بردند. در ابتدای مراسم، ابتدا ابوالفضل نوروزی، قاری نوجوان مشهدی، به قرائت قرآن پرداخت و سپس حجت‌الاسلام محمد مهدی رجبی، حافظ کل قرآن به سؤالات حاضران از صفحات مختلف قرآن پاسخ داد و بر اساس محفوظات خود آیاتی

شهر رمضان المبارك

سازمان فرهنگی استان قمسرموضی بزرگراهی شماره ۱۱
گرمسی تلاوت رضوی در ماه مبارک رمضان

کتابخانه قرآنی

از دیهشت ۱۳۹۸ ماه مبارک رمضان ۱۴۴۰



حکایت ماه رمضان

در ماه رمضان چند جوان، پیر مردی را دیدند که دور از چشم مردم، غذا می خورد. به او گفتند: ای پیرمرد مگر روزه نیستی؟ پیرمرد گفت: چرا روزه ام، فقط آب و غذا می خورم جوانان خندیدند و گفتند: واقعا؟ پیرمرد گفت: بله، دروغ نمی گویم، به کسی بد نگاه نمی کنم، کسی را مسخره نمی کنم با کسی با دشنام سخن نمی گویم، کسی را آزرده نمیکنم، چشم به مال کسی ندارم و... ولی چون بیماری خاصی دارم متأسفانه نمی توانم معده را هم روزه دارم. بعد پیرمرد به جوانان گفت: آیا شما هم روزه هستید؟

یکی از جوانان در حالی که سرش را از خجالت پایین انداخته بود، به آرامی گفت: خیر ما فقط غذا نمی خوریم!





همدم

بایک گل بهار می شود

این دسته گلها دست رنج دختران همدم است؛ گلی که شما به مراسمها و همایش هایتان می برید و بخشی از هزینه ی خیریه همدم را تامین میکند.

موسسه ی خیریه ی همدم

خیام شمالی - عبدالمطلب ۵۸ | تلفن: ۰۵۱-۳۷۱۱۲۱۱۱-۱۳

رفاه کارت: ۷۴۷۲ ۳۷۶۰ ۶۳۱۸ ۵۸۹۴

مشارکت آنلاین: www.Hamdham.org



www.ranafood.ir



شرکت صنایع غذایی رانا پاکستان



Fereshteh

CONFECTIONERY


SINCE 2009



شیرینی خانگی

فرشته

۳۷۶۲۶۴۰۰	بلوار ملک آباد، نبش قدس ۱۲	مشهد	۱
۳۸۴۱۳۹۱۳	احمد آباد، نبش ابوذر غفاری ۳۹ (کوهسنگی ۲۳)	مشهد	۲
۳۸۸۳۷۴۶۰	هاشمیه ۱۰، چهارراه دوم سمت چپ، بین لاله ۱۲ و ۱۴	مشهد	۳
۳۸۹۱۱۲۱۲	بین هفت تیر و هنرستان، نبش وکیل آباد ۲۰	مشهد	۴

 fereshteh_confectionery
www.fereshtehconfectionery.com

هیوندای

یخچال فریزر / کولر گازی / تلویزیون / لباسشویی / ظرفشویی / اجاق گاز / جارو برقی / لوازم خانگی ریز

Split Air Conditioner
کولرهای گازی اسپلیت



Floor Standing Air Conditioner
کولرهای گازی ایستاده



Portable Air Conditioner
کولرهای گازی قابل حمل



مشهد - مجتمع تجاری امیر - فاز ۲ - بلاک ۶۷
۰۵۱-۳۳۸۹۹۴۸۷

HYUNDAI

Refrigerator & Freezer / Air Conditioner / TV / Washing Machine / Dishwasher /
Gas Cooker / Vacuum Cleaner / Small Kitchen Appliances

ADDS VALUE
TO EVERYDAY LIFE



مشهد - بزرگ بازار اطلس - ورودی C - واحد ۳۰۰۱
۰۵۱-۳۳۸۶۰۵۰۹

 @hyundaihomeapp

 @hyundaihomeapp

 WWW.hyundairan.com



تالار همایش ما همدم

مؤسسه خیریه توانبخشی همدم - فتح المبين

همایش ها و برنامه هایتان را با کار خیر همراه کنید.

(درآمد حاصل از تالار، صرف هزینه های زندگی ۴۰۰ دختر بی سرپرست می شود.)

تلفن: ۰۵۱-۳۷۱۱۲۱۱۱-۱۳

مشهد - خیام شمالی - عبدالمطلب ۵۸

رفاه کارت: ۵۸۹۴ ۶۳۱۸ ۳۷۶۰ ۷۴۷۲

ملی سیبا: ۰۱۰۶۰ ۹۱۴۵ ۹۰۰۹

مشارکت آنلاین: www.hamdam.org

پرداخت موبایلی: #۷۳۳*۴*۴۰۰۴۰۰*



@hamdamcharity



@hamdam.charity



باها، با شما



فروشگاه های زنجیره ای باها

- شعبه هنرستان: مشهد مقدس - بین هنرستان ۳۱ و ۳۳
شعبه شاهد: مشهد مقدس - نبش شاهد ۳۸ - برج ونوس
شعبه کیان سنتر ۲: مشهد مقدس - تقاطع بلوار جانباز و بلوار فرامرز عباسی
شعبه اندیشه: مشهد مقدس - نبش اندیشه ۷۱
شعبه سناباد: مشهد مقدس - خیابان سناباد - نبش سناباد ۱۹
شعبه راه آهن: مشهد مقدس - خیابان شهید کامیاب - ایستگاه راه آهن

نیک اندیشان ارجمند

سرکار خانم دکتر سپیده توکلی
جناب دکتر محمود کمالی
جناب مهندس چمنیان
جناب آقای عباس زادگان
جناب آقای رضا ماهر

همکاران گرامی؛

آقای محمد تقی جندقی

همدم و اهالی این خانه خود را در اندوه فقدان عزیزانتان شریک می دانند.
همدردی ما را پذیرا باشید.





چند لحظه‌ی علمی و آموزشی

- اوتیسم در کودکان؛ از تشخیص تا درمان
 - آلودگی محیط، منشاء معلولیت!
 - پیامدهای منفی از دواج پیش از بلوغ...
 - کودک و تماشای تلویزیون؛ چه و چگونه؟
- عکس: مهران کریمان



اوتیسم در کودکان؛ از تشخیص تا درمان

نویسندگان: کمال هوشیار - سعید عرفان تقوی

مقدمه:

بیماری اوتیسم یک اختلال در سیستم عصبی است که باعث عدم عملکرد صحیح مغز می شود و در اوایل دوره کودکی، معمولاً قبل از ۳ سالگی خودش را نشان می دهد. هر چند درمان و شفای کاملی برای بیماری اوتیسم وجود ندارد اما درمان جدی و به موقع اوتیسم تغییرات بزرگی در زندگی کودکان مبتلا به این بیماری ایجاد می کند. این اختلال در بیماران اوتیستیک باعث می شود مغز نتواند در زمینه رفتارهای اجتماعی و مهارت های ارتباطی و حرکتی به درستی عمل کند. این کودکان در زمینه های ارتباط کلامی و غیر کلامی و رفتارهای اجتماعی، در حفظ و ایجاد تعادل و در زمینه حس های عمقی دارای مشکل اند. بیماری اوتیسم یک عارضه نوروبیولوژیکی و اختلال تکاملی است. اختلال طیف اوتیسم، نوعی اختلال عصبی رشدی است که با ویژگی هایی چون کاستی در برقراری ارتباط و زبان، مشکل در رفتارهای اجتماعی و انجام دادن حرکات تکراری و کلیشه ای به چشم می آید. اوتیسم نوعی اختلال رشدی از نوع روابط اجتماعی است که با رفتارهای ارتباطی - کلامی غیرطبیعی مشخص می شود. از طرف دیگر، اوتیسم عبارت است از ناتوانی کودک در برقراری ارتباط با مردم یا موقعیت ها؛ این کودکان به والدین و اشخاص دیگر هیچ گونه وابستگی نشان نمی دهند و با کودکان همسن و سال خود بازی نمی کنند، در حالی که به اشیای خاص و بی جان دل بستگی نشان می دهند. بنابراین اوتیسم، نوعی اختلال رشد مغز است که بر اساس نقص در واکنش های اجتماعی و ارتباطات، رفتارهای تکراری و محدود، مشخص می شود که قبل از سه سالگی شروع می شوند.

این مجموعه نشانه ها با نوع خفیف طیف اوتیسم به نام «اختلال طیف اوتیسم» فرق دارند. این اختلال در پسران شایع تر از دختران است. این اختلال بر رشد طبیعی مغز در حیطه ی تعاملات اجتماعی و مهارت های ارتباطی تأثیر می گذارد. کودکان مبتلا به اوتیسم، در ارتباطات کلامی و غیر کلامی، تعاملات اجتماعی و فعالیت های مربوط به بازی، مشکل دارند.

علل بروز اوتیسم

هنوز محققان نتوانسته اند علت خاصی را به تنهایی برای ایجاد بیماری اوتیسم کشف کنند و می توان یک سری علل را در بروز آن مؤثر دانست. محققان دیگری نیز معتقدند که تحت شرایط خاصی تعدادی از ژن های ناپایدار باعث اختلال در عملکرد مغز و در نهایت بروز اوتیسم می شوند. تعداد دیگری از محققان نیز بر روی احتمال بروز اوتیسم در دوران بارداری تحقیق می کنند. آن ها معتقدند که یک عامل ویروسی ناشناخته، اختلال متابولیسمی و یا آلودگی به مواد شیمیایی محیطی در دوران بارداری می تواند عامل ایجاد این بیماری باشد. احتمال بروز اوتیسم در کودکانی که بیماری هایی مانند سندرم ژن ایکس حساس توبروس سلروسیس، سندرم روبلا، و فنیل کتونوریای درمان نشده داشته باشند، بیشتر است. بعضی از مواد خطرناک مانند جیوه نیز که در دوران بارداری وارد بدن مادر شوند می توانند احتمال بروز اوتیسم را افزایش دهند. اوتیسم یک بیماری روانی نیست. کودکان اوتیستیک قابل درمان هستند و نباید از آن ها قطع امید شود و نیز بهتر است بدانید که هیچ عامل روانی شناخته نشده است که باعث بروز اوتیسم در کودکان شود.

اکثر ما نمی دانیم یا آن را درک نمی کنیم. این ادراک حسی برای آن ها یک بار اضافی است و باعث می شود آن ها رفتارهایی را به کار ببرند که پریشانشان می کند. ورزش مزایایی مشابه آن برایشان ایجاد می کند، با این تفاوت که معانی ضمنی اجتماعی ندارد. شنا و دویدن شامل حرکات ریتمیکی است که شبیه رفتارهای کلیشه ای هستند و ممکن است افراد مبتلا به اوتیسم به همان شیوهی زدن دست ها به یکدیگر و راه رفتن روی پنجهی پا حواسشان پرت شود؛ مربیان ورزشی به این دانش دست یافته اند که چگونه با انجام تمرینات ورزشی می توانند رفتارهای تکراری کودکان اوتیسم را کاهش دهند.

چالش های اوتیسم و ورزش

ورزش هایی که می توانند برای کودکان اوتیسمی چالش برانگیز باشند، مناسبند. اما به این معنا نیست که کودکان اوتیسمی باید دور از ورزش بمانند. به اشاره ای یک روان پزشک خوب، مهم این است که به آن ها کمک شود تا ورزشی را انتخاب کنند که از آن لذت ببرند و احساس برتری در آن داشته باشند. اوتیسم چالش های به خصوصی دارد، آن هم زمانی که سراغ ورزشی می روند، اما هم چنین باعث فراهم کردن امکانات هیجان انگیزی برای آن ها می شود. هر کودک اوتیسم چالش های منحصر به فرد خود را دارد که مربیان با تجربه باید خود را با آن وفق دهند؛ چالش های متفاوت با توجه به شدت بیماری، شرایطشان متفاوت است. بعضی از کودکان کناره می گیرند در حالی که برخی دیگر فعالند. تعدادی از این کودکان روان و سلیس صحبت می کنند، در حالی که برخی دیگر از آن ها صحبت نمی کنند.

تشویق کودکان مبتلا به اوتیسم به ورزش

بهترین روش برای افزایش فعالیت فیزیکی ورزشی بیماران مبتلا به اوتیسم، افزایش میزان توزیع و راحتی ورزش است. برای افزایش میزان ورزش بیماران اوتیسم و افرادی که مشکل تمرکز دارند باید راه هایی را پیدا کرد تا این افراد بیشتر از ورزش لذت ببرند و بیشتر با این فعالیت تفریح کنند. لذت بردن از ورزش فاکتوری است که باعث ادامه دادن به ورزش می شود. محققان معتقدند که ورزش مداوم در بیماران مبتلا به اوتیسم و اختلالات جمعی باعث می شود که از مشکلات آن ها کاسته شود و در کوتاه و طولانی مدت وضعیت فیزیکی و اجتماعی این بیماران بهتر شود. کودکان مبتلا به اوتیسم مشکلاتی از جمله خستگی مشکل خواب و افسردگی دارند و ورزش می تواند جزو برنامه های درمانی اولیه آن ها باشد. تشویق این کودکان به ورزش بسیار مهم است.

توصیه ها و مزایای ورزش برای کودکان مبتلا به اوتیسم

ورزش می تواند آمادگی جسمانی کودکان و نوجوانان را افزایش دهد و کسب مهارت، موفقیت، اعتماد به نفس و روابط اجتماعی آن ها را نیز بالا ببرد. حال تصور کنید تمریناتی برای کودکان اوتیسم تهیه شده باشد؛ کودکانی که از لحاظ اعتماد به نفس و روابط اجتماعی دچار مشکل هستند؛ دقیقاً با ورزش می توان ضعف های این کودکان را برطرف کرد. ورزش های منظم باعث بهبود رشد در کودکان می شود چرا که از طرفی فعالیت فیزیکی باعث کاهش گلوکز و در نتیجه ترشح هورمون رشد

علائم ابتلا به بیماری اوتیسم

علائم و نشانه های اوتیسم بیشتر اوقات قبل از سن سه سالگی شروع به ظهور می کنند. در اوایل والدین کودک مبتلا به اوتیسم متوجه می شوند که کودکشان شروع به صحبت نکرده و مانند سایر کودکان هم سنش رفتار نمی کند. اما این که کودک مانند سایر کودکان و در سن آن ها شروع به صحبت کرده و بعد مهارت های کلامی خود را از دست دهد، نیز ممکن است. علائم اوتیسم شامل: تاخیر در یادگیری صحبت کردن و یا اصلاً صحبت نکردن کودک ممکن است ناشنوا به نظر برسد حتی اگر آزمایش شنوایی سنجی را طی کرده و نتایج آزمایش شان نرمال باشد شامل: انواع رفتارها، علائق و بازی های تکراری، ناتوانی در گفتن اسم، برقراری ارتباط چشمی، اجتناب از نوازش شدن و بغل شدن و یا کمک نخواستن، ناتوانی از شروع مکالمه و صحبت با دیگران و یا عدم توانایی در حفظ مکالمات، حساس بودن به نور صدا و یا لمس شدن و در عین حال بی توجهی به درد، عادات غذایی عجیب رفتار خودزنی مثلاً: کوبیدن سر به زمین یا دیوار و یا خودزنی با دست ها.

روش های تشخیص بیماری اوتیسم

برای تشخیص این بیماری هیچ تست پزشکی وجود ندارد. برای تشخیص اوتیسم در یک کودک باید رفتار، ارتباط و سطح رشد ذهنی کودک به دقت بررسی شود. از آن جایی که بعضی از علائم این بیماری با بعضی از بیماری های دیگر مشترک است ممکن است متخصصان آزمایش ها و تست های پزشکی متفاوتی را برای کودک تجویز کنند تا از وجود یا عدم وجود مشکلات دیگر در کودک مطمئن شوند. با یک بررسی کوتاه در یک جلسه ممکن نیست که بتوان به طور قطع وجود اوتیسم را در کودک ثابت کرد. مشاهدات والدین و بررسی کامل مراحل رشد کودک از الزامات تشخیص اوتیسم در یک کودک است. در نگاه اول ممکن است کودک اوتیستیک به نظر عقب مانده ذهنی، دارای اختلال رفتاری، دارای مشکل شنوایی و یا دارای رفتارهای عجیب به نظر برسد. البته ممکن است تمام این علائم در یک کودک اوتیستیک وجود داشته باشند که این امر خود باعث مشکل تر شدن تشخیص می شود. به هر حال در ابتدای امر بایستی معاینه دقیق و کاملی از کودک به عمل آید زیرا به این ترتیب می توان یک برنامه مناسب و دقیق برای کمک به کودک اوتیستیک و درمان او تدارک دید.

تاثیر ورزش بر کودکان اوتیسم

مقایسه قدرت کودک با دیگران، نشانه اعتماد به قدرت خود است و رقابت نیز می تواند در آموزش موثر باشد. همسالان کودک بر آموزش تربیت و آموختن کودک موثرند و ورزش یکی از راه های آموختن است. از این رو، به تاثیرات ورزش بر بهبود وضعیت مبتلایان به این اختلال می پردازیم: ورزش برای کودکان مبتلا به اوتیسم مفید است. کودکان مبتلا به اوتیسم قادر به شرکت در دو و میدانی نیستند. آن ها می توانند به عنوان یک عضو فعال در تیم شنای خود شرکت کنند. فایده فعالیت های ورزشی برای اکثر کودکان مبتلا به اوتیسم ثابت شده است. فواید ورزش در کودکان اوتیسم عبارتند از: کم شدن رفتارهای تکراری، عملکرد مثبت اجتماعی، افزایش تمرکز، کاهش خطر ابتلا به چاقی و بیماری های قلبی در بزرگسالی. افراد مبتلا به اوتیسم سطحی از ادراک حسی را دریافت می کنند که



و مداخلات تمرینی که در درمان اوتیسم مفیدتر باشد، هدایت کند.

معرفی تعدادی از بازی های موثر برای کودکان اوتیسم

بازی اول؛ شناسایی بخش های بدن:

بخشی از بدن کودک را نام می برید و کودک باید آن بخش را لمس کند. برای مثال می گوئید: «سرت را لمس کن.» و کودک باید سرش را لمس کند. یادتان باشد اگر کودک قادر به درک دستور شما به صورت کلامی نبود، اشکالی ندارد به صورت تصویری به او نشان دهید. برای یادگیری کودک عجله نکنید و به او زمان دهید تا سازگار شود.

بازی دوم؛ بغل کردن توپ

کودک روی توپ دراز می کشد و با ۲ دست توپ را بغل می کند. توجه داشته باشید پای کودک روی زمین باشد (برای حفظ تعادل) و شکم، سینه و پاها کاملاً به توپ چسبیده باشند. سپس کودک توپ را ۲۰ تا ۶۰ ثانیه فشار می دهد. به اندازه کافی استراحت و ۳ مرتبه دیگر تکرار کند.

بازی سوم؛ چرخش دست ها

کودک به هر صورت که راحت است، بنشیند یا بایستد. سپس دست ها را از جلو به عقب بچرخاند. (این حالت بهتر است اما اگر کودک مایل به چرخاندن دست به صورت از عقب به جلو بود

می شود و از طرف دیگر باعث منظم شدن و افزایش خواب و تغذیه کودک خواهد شد که این عوامل برای رشد کودکان ضروری هستند. به علاوه فعالیت های منظم باعث افزایش تراکم استخوانی و کاهش احتمال بروز پوکی استخوان و دردهای مفاصل در بزرگسالی می شود. ولی برای ورزش باید با متخصصان طب فیزیکی و ورزش مشورت کرد زیرا گاهی انتخاب نادرست در ورزش مضرات جبران ناپذیری به خصوص برای کودک ایجاد می کند. اما تحقیقات نظام مند در زمینه تاثیر ورزش در بهبود این اختلال، هنوز هم کم و فقط محدود به گروه های شرکت کننده ی کوچک است. تمرین بدنی نه تنها باعث بهبود وضعیت جسمی می شود بلکه رفتارهای ناسازگارانه اوتیسم را نیز کاهش می دهد. کودکان اوتیستیک نسبت به کودکان معمولی در عین این که فعالیت کمتری دارند، بیشتر هم در معرض خطر هستند چرا که شیوه زندگی بی حرکتی دارند که خطرات ناشی از بیماری های قلبی، دیابت و چاقی را در آن ها افزایش می دهد. از آن جا که ثابت شده ورزش در جمعیت عادی وسیله ای موثر برای جلوگیری از این مشکلات است، این احتمال وجود دارد که در جمعیت اوتیسم نیز موثر باشد. تحقیقات نشان می دهد تمرین فیزیکی باعث بهبود مهارت های اجتماعی، ارتباطی و حرکتی کاهش رفتارهای کلیشه ای کودکان اوتیسم و رفتارهای خودتحریکی آن ها می شود. تمرین فیزیکی یک رویکرد معقول است ولی مطالعات و تحقیقات زیادی انجام نگرفته تا بتواند ما را در یافتن نوع ورزش

عنوان برنده معرفی می شود که تعداد توپهای بیشتری را جمع کرده باشد. عمو زنجیرباف و آسیاب بچرخ در این بازی ها بچه ها به صورت دایره می ایستند و صدای حیوانات و حرکات تخیلی از قبیل شانه زدن، خندیدن و گریه کردن را تقلید می کنند.

دایره وار ایستادن و شوت کردن توپ برای هم ابتدا بچه ها باید به صورت انفرادی بتوانند توپ را برای هم شوت کنند و سپس به صورت دایره ای بایستند و به همین صورت که ایستاده اند توپ را برای یکدیگر شوت کنند. شنا کردن

شنا برای اکثر مردان یک ورزش فوق العاده به حساب می آید، خصوصا کودکانی که اوتیسم دارند. کودکانی که توپ را به سختی می توانند در دست بگیرند. علاوه بر این، کودکان دچار اوتیسم در تیم های شنا بسیار موفق عمل می کنند زیرا ورزشیست که رقابت فردی در آن می باشد.

Track and Field

به طرز شگفت آوری، کودکان کوچکتر در تیم های ورزشی پیچیده ای مثل فوتبال بازی می کنند، در حالی که ممکن است در طرف دیگر کودکان مدرسه ای مشغول پریدن و دویدن باشند. برای کودکانی که اوتیسم دارند، Track and Field یک ورزش عالی به حساب می آید. در این ورزش، به مهارت های ارتباطی کمتری نیاز می باشد.

بولینگ

با وجود اینکه صدای آن بلند است، اما بولینگ ورزش عادی برای کودکانی که اوتیسم دارند، به حساب می آید. شاید هم تکراری باشد، اما ممکن است منجر به رضایت کودک شود. به هر دلیلی که باشد، بولینگ از جمله ورزش های عالی در رویدادهای اجتماعی است که طیف کودکان دارای اوتیسم را شامل می شود. لیگ های بولینگ اغلب با استقبال روبرو می شود و فرصت خوبی برای این کودکان است تا بخشی از یک سازمان ورزشی باشند.

منابع:

بهبهانی، سرور. کریمی مریدانی، محمد (۱۳۹۴). بیماری اوتیسم از تشخیص تا درمان. مجله مهندسی پزشکی. شماره ۱۷۴. صص ۷۰-۶۰. صمدی، سیدعلی. مک کانکی، روی (۱۳۹۰). اختلالات طیف اوتیسم. نشر دوران. چاپ اول.

لینداجی، راستلی. استیون، ام. شور (۱۳۹۴). اوتیسم به زبان ساده. مترجم: صمدی، سیدعلی. نشر دوران. صص ۵۱۳-۵۰۵.

Green D, charman T, pickles A, chandler s, Loucas T, simonoff
Diagnostic and statistical Manual-Text. (2014) E, Baird G
.68:Revision. Chicago, I. L Association P
Vaccines and autism: a tale of. (2013). Gerber JS, Offit PA
Lay. 61-456: (4) 48 shifting hypotheses». Clin Infect Dis
.summary – IDSA

Infancy and autism. (2012). Johnson MH. Elsabbagh, M
progress, prospects, and challenges. Progress Brain
.83-355: 164; Research

اشکالی ندارد). تمرین را ۱۰ نوبت و هر بار ۳ مرتبه تکرار کند. بازی چهارم؛ راه رفتن روی پنجه پا از کودک بخواهید روی پنجه پای خود بایستد و راه برود.

بازی پنجم؛ خراب کردن سازه

چند جعبه سبک (یا اسباب بازی های ساختمانی) را روی یکدیگر قرار دهید و به کودک بگویید با دست آنها را روی زمین بیندازد. بلافاصله جعبه ها را دوباره بچینید و او آنها را دوباره بیندازد.

بازی ششم؛ فشار دادن توپ

توپ های کوچکی (مینی بال) را تهیه کنید و در اختیار کودک قرار دهید. از او بخواهید با ۱ دست یا ۲ دست توپ را بگیرد و آن را ۱۰ مرتبه فشار دهد و ۳ مرتبه این بازی را تکرار کند. البته برای انجام این تمرین و سایر تمرین های یاد شده باید وقت صرف کنید، بنابراین صبر و حوصله به خرج دهید و به هیچ وجه عجله نکنید. «رنال» معتقد است که بازی جزئی مهم در آموزش اطفال است. به زعم وی محرومیت از بازی به شدت تاثیر گذار بوده و موجب تاخیر در رشد اجتماعی کودکان می شود. اما به نظر می رسد که به واقع بازی پایه و اساس اولین روابط اجتماعی باشد. در طی بازی می آموزیم که با دیگران به نحو مطلوب ارتباط برقرار کنیم، تجارب مختلف کسب کنیم و در افکار و تمایلات خود منعطف باشیم. باید توجه داشت که کودکان اوتیسم در مقایسه با دیگران از رشد اجتماعی کمتری نیز بهره می برند. محور این نگرش بر این موضوع استوار است که رشد اجتماعی کودکان ناشی از اثر متقابل سطح شناختی و طرح های ذهنی آنان با تجربه های محیطی است. لذا در این قبیل کودکان مشکلات رشد اجتماعی همواره وجود خواهد داشت. یکی از مهمترین اهداف در آموزش و پرورش کودکان اوتیسم، سازگاری اجتماعی، برقراری روابط مفید و موثر با دیگران و پذیرش مسئولیت های اجتماعی در مهارت هایی که بیشتر در زمینه خودیاری است، می باشد. بازی می تواند موجب تقویت فرایند سازگاری با اجتماع و جامعه در کودکان اوتیسم گردد. این بازی ها باید به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر روی مسائل عاطفی یا جسمی و بر اساس نوع اختلال موجود، برنامه ریزی و اجرا گردد. تعدادی از این بازی ها عبارتند از:

پرتاب توپ به هوا

بچه ها به صورت دایره ای می ایستند، مربی توپ را به هوا پرتاب می کند یکی از بچه ها را صدا می زند، بچه ای که نام او برده شده باید بلافاصله به وسط دایره بیاید و توپ را بگیرد و اجازه ندهد که توپ بیفتد. پس از اینکه بچه ها این مرحله را یاد گرفتند، یکی از بچه ها توپ را به هوا پرتاب می کند و اسم یکی دیگر از دوستانش را صدا می زند و بازی به همین منوال ادامه پیدا می کند تا یکی یکی بچه ها حذف شوند و برنده ها مشخص می شود.

جمع کردن توپ با آهنگ و متوقف کردن هنگام قطع صدا

در این بازی از بچه ها خواسته می شود با پخش آهنگ شروع به جمع کردن توپهای روی زمین کنند و بلافاصله بعد از قطع شدن آهنگ، دیگر هیچ تویی را برنارند و بعد از اتمام کار شروع به شمردن توپها می کنند فردی به



آلودگی محیط، منشاء معلولیت!

نگاهی به: تأثیر آلودگی محیط در بروز اختلالات کروموزومی
 • محبوبه مشرف - کاردرمانگر موسسه توانبخشی همدم

می‌روند که مراقبت‌ها با بالاترین سطح خود باید صورت بگیرد. به طور معمول از هر یک هزار تولد، ۲ نوزاد در ایران مبتلا به اختلال‌های کروموزومی هستند که با افزایش آلودگی محیط این میزان به ۲۴ درصد افزایش می‌یابد. در واقع می‌توان گفت آمار تولد نوزادان با نقص ژنتیکی با وجود پدر و مادر کاملاً سالم افزایش یافته، که احتمال داشتن منشأ آلودگی هوا در این مسئله زیاد است. در کشورهای جهان سوم یک مورد از هر ۳ مورد اختلال‌های ژنتیکی مادرزادی ناشی از آلودگی هواست که این عامل نیز ۳۰ درصد خطر سقط جنین را افزایش می‌دهد. در عین حال متخصصان طب پزشکی اذعان دارند، اگرچه آلودگی هوا می‌تواند به عنوان یک فاکتور مهم در بروز بیماری‌های ژنتیکی و نقص مادرزادی دخیل باشد ولی نمی‌تواند تنها دلیل باشد، چرا که تغییرات ژنتیکی نمی‌تواند صرفاً به دلیل استنشاق هوای آلوده توسط خانم باردار بوجود آید. و این مستلزم تأثیر عوامل مختلف و گذر نسل‌های متمادی می‌باشد و این اختلال ممکن است بعد از چهار یا پنج نسل خود را نشان دهد. در عین حال کارشناسان تغذیه توصیه می‌کنند که زنان باردار در روزهای آلودگی هوا با مصرف میوه‌ها، سبزی‌ها و لبنیات و غذاهای آنتی‌اکسیدان تأثیرات این عامل را به حداقل رسانده و از فعالیت‌هایی همچون پیاده‌روی که مستلزم افزایش تنفس است خودداری نمایند تا میزان سموم دریافتی به حداقل برسد. در نهایت آنچه که مشخص است این است که نمی‌توان تأثیرات مخرب آلودگی هوا و پارازیت‌های موجود در هوا بر تولد نوزادان معلول و نقص ژنتیکی را منکر شد؛ ولی از آن می‌توان به عنوان یک فاکتور مهم بویژه در کسانی که آسیب‌پذیری بیشتری دارند، استفاده کرد.

.....

منابع:

مقاله سلامت روان در بروز عوامل عقب ماندگی ذهنی.
 آخرین مقالات ساملن در رابطه با آلودگی هوا/تألیف دکتر محمدحیدرزاده.
 مقاله P.D.F تأثیر آلودگی محیط زیست در بروز اوتیسم (تألیف دانشجویان دانشگاه محیط زیست اصفهان)
 اختلالات کروموزومی و فاکتورهای محیطی، همشهری آنلاین.

آمارها نشانگر این مسئله هستند که مواجه با آلاینده‌های موجود در هوا همچون سرب و آرسینک در گروه فلزات سنگین، تا ۳۰ برابر خطر تولد نوزاد معلول و عقب مانده ذهنی را افزایش می‌دهد. فاکتورهای مختلفی در بروز اختلال‌های کروموزومی و بیماری‌ها و معلولیت‌های مادرزادی دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به عوامل محیطی اشاره کرد و آلودگی هوا و پارازیت‌ها و امواج و اشعه‌ها در این گروه قرار می‌گیرند. بررسی‌ها نشان می‌دهد اثرات آلاینده‌هایی چون منواکسیدکربن - دی‌اکسید گوگرد و ذرات معلق در نواحی صنعتی و شهرهای بزرگ به خصوص در فصل زمستان بیشترین تأثیر را در این میان دارد. قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا در طول دوران بارداری خطر اوتیسم را برای جنین به همراه خواهد داشت و حتی در نوزاد تازه متولد شده بویژه نوزادانی که زودتر از موعد به دنیا آمده‌اند، خطر ابتلا به اوتیسم را افزایش می‌دهد. «اوتیسم نوعی اختلال رشدی است که با رفتارهای ارتباطی، کلامی و غیرطبیعی مشخص می‌شود.» همچنین در بررسی دیگر، مشخص شده که آلودگی هوا هم می‌تواند به عنوان یک فاکتور خطر برای ابتلا به سندروم داون مطرح شود. گرچه مهم‌ترین علت سندروم داون تریزومی کروموزوم ۲۱ و وابسته به جنس و ژنتیکی است، ولی آلودگی هوا (محیط) هم به عنوان یک ریسک فاکتور در جهش کروموزومی در زمان بارداری مطرح است. زمانی که گاز منواکسید کربن وارد بدن می‌شود، بدلیل اینکه قدرت چسبندگی منواکسید کربن به گلوبول‌های قرمز ۲۰ برابر اکسیژن است، داخل خون شده و همراه با گردش خون وارد تمام قسمت‌های بدن می‌شود و مانع از رسیدن اکسیژن به بدن خواهد شد. در زمان بارداری هم از جفت عبور کرده و مقدار اکسیژنی را که به این قسمت داده می‌شود، کاهش داده و باعث می‌شود تا شرایط عقب ماندگی رشد جنین (به عنوان دلیل محکم) را فراهم آورد. همچنین سرب ناشی از آلودگی هوا، می‌تواند احتمال تولد کودکان مبتلا به نقص عضو، اوتیسم و بیش‌فعالی را دو تا سه برابر افزایش دهد و موجب مسمومیت، کندذهنی و کمی حافظه شود. سه ماه پیش از بارداری، سه ماه اول و سه ماه دوم از زمانهای طلایی به شمار

پیامدهای منفی از دواج پیش از بلوغ...

تاملی در ازدواج دختران قبل از سن بلوغ و آثار و پیامدهای مرتبط با آن
 • مهناز کاکایی - کارشناس ارشد فقه و حقوق خصوصی



حمایت از دختران برای جلوگیری از استثمار در ازدواج از موضوعات مهم در بحث‌های حقوق بشر است. ازدواج یکی از حساس‌ترین وقایع زندگی انسان و از مهم‌ترین نمادهای حقوقی و همزیستی در جوامع بشری است. اهمیت نکاح در درجه اول به رابطه فی‌مابین کل اجتماع با مهم‌ترین جزء این کل یعنی خانواده مربوط می‌شود. اگر جامعه را به مثابه جسم آدمی در نظر بگیریم خانواده‌ها سلول‌های این جسم محسوب می‌شوند و زمانی جامعه می‌تواند سالم باشد و به خوبی عمل کند که این سلول‌ها در سلامت باشند. کوچکترین خللی در این نهاد موجب بروز مشکلات عدیده در سطح جامعه خواهد بود. لزوم آمادگی و بلوغ جسمانی و رشد قوای عقلانی افراد برای زندگی مشترک لازم است. کارشناسان معتقدند ازدواج دختر و پسر در دوران کودکی یا نوجوانی پیامدهای منفی و آسیب‌های اجتماعی بسیاری به دنبال دارد، زیرا نوجوانی که هنوز به سن بلوغ و قوه‌ی تشخیص کافی نرسیده، قادر نیست مسئولیت یک زندگی را بر دوش بگیرد. فقر فرهنگی، پایبندی به اصول و رعایت سنن قدیمی و سنتی توسط بسیاری از این خانواده‌ها باعث می‌شود تا دختران و پسران کم سن و سال گرفتار معضلات متعدد ناشی از ازدواج زودهنگام شوند. معاون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، ضمن گفت‌وگویی پیرامون این موضوع، گفته‌است: بر اساس آمارهای بین‌المللی از هر ۳ دختر در کشورهای در حال توسعه، یک نفر در سنین کودکی از دواج می‌کند، به طوری که ۷۰۰ میلیون نفر در جهان در سن کودکی از دواج کرده‌اند و این آثار و پیامدهایی را به دنبال داشته‌است. او در ادامه با بیان اینکه، آمادگی برای ازدواج وقتی است که چهار بلوغ جنسی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی در فرد ایجاد شود، گفته‌است: «میزان طلاق متأسفانه در ازدواج‌های زودرس بیشتر است و بیشترین آسیب را طفلی که از این ازدواج متولد شده است لمس خواهد کرد و به طور مستقیم آثار منفی (از دواج زودرس) بر وی بار می‌گردد.» بر اساس آمارها، تقریباً ۲۰٪ از ۵۰۰ هزار دختری که در سن پایین باردار شده‌اند بر اثر حاملگی و زایمان می‌میرند و همچنین آنهایی هم که موفق به تولد نوزادان خود می‌شوند به جهت اتلاف ذخایر بدنی، بچه‌های ناسالمی به دنیا می‌آورند. از جمله مشکلات این نوزادان: ۱- نارس بودن ۲- فلج مغزی ۳- عقب‌ماندگی ذهنی است. بنابراین جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام مادران، اقدامی در راستای پیشگیری از معلولیت ذهنی نوزادان است. به عنوان مثال: در یک پژوهش علمی، ۱۱۰ کودک که از مادران کم سن به دنیا آمده بودند مورد بررسی قرار گرفتند؛ ضریب هوشی این کودکان از ۴۰ تا ۱۱۰ در نوسان بود و تعداد قابل توجهی از این کودکان دارای ضریب هوشی ۷۰ به پایین بودند که عملاً عقب مانده ذهنی تلقی می‌شوند. بارداری در سن قبل بلوغ، فاجعه‌بار است چرا که سیستم مربوطه در بدن به قدر کافی رشد نکرده‌است و بارداری زودهنگام هم تأثیرات بسیار بدی برای مادر و هم در جنینی که در شکم مادر است، دارد. بیشتر جنین‌ها در این شرایط تکامل پیدا نمی‌کنند و کودکان نارس به دنیا آورده می‌شود. به نظر می‌رسد که شناسایی سنی که در آن فرد قابلیت رویارویی با مسائل و مشکلات و درک آنها را داشته باشد ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان از آثار و پیامدهای آن که ارتباط مستقیم با اجتماع دارد، جلوگیری کرد. در پایان، به این هم اشاره کنیم که: اخیراً طرحی از جانب فراکسیون زنان مجلس در رابطه با افزایش سن ازدواج دختران مطرح شده‌است که ازدواج زیر سن ۱۳ سال به هیچ عنوان انجام نشود و ازدواج در سنین ۱۳ تا ۱۵ سال نیز با شرایط خاص مثل تأیید پزشکی و... انجام پذیرد. در صورت تصویب این طرح، تا حدودی از ازدواج‌های زودرس و آثار عواقب آن می‌توان جلوگیری کرد.

کودک و تماشای تلویزیون؛ چه و چگونه؟

• دکتر فریبا عرب گل

(فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان / دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی بیمارستان امام حسین)



تلویزیون می‌کنند ممکن است موارد زیر در آنها بیشتر دیده شود:

پیشرفت تحصیلی ضعیف‌تری داشته باشند.
کمتر کتاب بخوانند و کم مطالعه کنند.
فعالیت فیزیکی و ورزشی کمتری داشته باشند.
چاقی و افزایش وزن در آنها بیشتر باشد.

کودکان ممکن است در برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره با موضوعاتی چون پرخاشگری، رفتارهای جنسی و مصرف مواد مخدر و الکل آشنا شوند و از آنجا که هنوز تفکر انتقادی و منطقی در آنها شکل نگرفته است ممکن است چیزهایی را که می‌بینند به عنوان موارد معمول، سالم و قابل قبول بپذیرند. چنانچه برنامه‌های تلویزیونی به سمتی رود که مفاهیم خشونت و پرخاشگری در آنها زیاد باشد و سیستم ارتباطی خانواده نیز به گونه‌ای مختل باشد که هیچگونه بحث و تبادل نظری در مورد این برنامه‌ها بین اعضای خانواده صورت نگیرد، می‌تواند تأثیر نامطلوبی روی رفتار کودک بگذارد. ممکن است کودک رفتار تهاجمی و پرخاشگرانه را به عنوان راه و روشی برای حل مشکلات و مسائلی انتخاب کند و یا با شخصیت‌های خاصی مثل قربانی یا مهاجم همانندسازی کرده و رفتارهای آنان را تقلید کند. کودکانی که خود مشکلات رفتاری و هیجانی دارند و یا در کنترل تکانه‌های خود مشکل دارند، ممکن است راحت‌تر توسط برنامه‌های نامناسب تحت تأثیر قرار بگیرند. اگر چه برنامه‌های پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز تلویزیون تنها علت پرخاشگری کودکان نیست اما می‌تواند یک عامل مهم باشد. والدین فعال و مسئول می‌توانند به گونه‌ای عمل کنند تا کودکان تجربه‌ای مثبت با تلویزیون و سایر رسانه‌های تصویری داشته باشند موارد زیر توصیه‌هایی برای والدین است:

۱- به برنامه‌هایی که کودک شما می‌بیند توجه نموده

نمی‌توان تصور کرد که فرزندان ما بزرگ شوند، رشد کنند، وارد دانشگاه یا حوزه‌های مختلف شغلی شوند اما با رایانه آشنا نباشند و از شبکه جهانی (اینترنت) چیزی ندانند. دنیای امروز، دنیای تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر و اینترنت است و موارد فوق چنان با سرعت وارد زندگی بشر شده و نفوذ خود را ادامه می‌دهند که نمی‌توان از کنار آنها با بی‌تفاوتی گذشت بلکه باید با آنها به روش صحیح برخورد کرد تا بیشترین سود و استفاده حاصل آید. نکته قابل ذکر آن است که هم چنانکه اثرات مفید تکنولوژی جدید در کیفیت زندگی ما قابل انکار نیست، در صورت عدم مدیریت صحیح نیز ممکن است تأثیرات مضر آن بر زندگی کودکان و نوجوانان ما غیر قابل جبران باشد. کودکان و تلویزیون:

در مورد تلویزیون به نظر می‌رسد با توجه به آن که مدت زمان طولانی‌تری از ورود آن به زندگی ما گذشته، والدین فکر می‌کنند در این مقوله کمتر با فرزندانشان مشکل دارند و در آن حدی که استفاده از کامپیوتر و اینترنت والدین را نگران می‌کند استفاده از تلویزیون آنها را با چنین شرایطی مواجه نمی‌کند. تماشای تلویزیون یک فعالیت مهم و عمده است که تأثیرات مثبتی بر روی اطلاعات، دانش و یادگیری دارد. تلویزیون می‌تواند تأثیری قوی در رشد ارزش‌ها و شکل‌دهی رفتار داشته باشد ولی می‌تواند تأثیرات نامطلوبی نیز در زندگی کودک بگذارد. زمانی که صرف تماشای تلویزیون می‌شود کودک را از فعالیت‌های مهمی چون مطالعه تکالیف مدرسه، بازی، ورزش، تعاملات خانوادگی و رشد اجتماعی باز می‌دارد. همچنین کودکان می‌توانند اطلاعاتی را از تلویزیون دریافت کنند که نامناسب و غیر صحیح است، بخصوص آن که کودکان در یک مرحله سنی قادر نیستند بین واقعیت و فانتزی ارائه شده در برنامه‌های تلویزیونی تفاوت قائل شوند. کودکانی که ساعات زیادی را صرف تماشای

۱۲- بحث راجع به موضوعات فوق باعث رشد تفکر انتقادی در کودک می‌شود تفکری که باعث می‌شود کودک هرگونه اطلاعاتی را بدون فکر کردن نپذیرد بلکه پیرامون آن تحقیق کند، اطلاعات جمع‌آوری کند و سپس در صورت صحیح بودن آن را بپذیرد. با توصیه‌ها و نقش فعال شما کودک می‌تواند از تلویزیون برای یادگیری سالم و مثبت استفاده کند. ۱۳- برنامه‌های نامناسب را جلوی بچه‌ها رد کنید و مهر عدم تأیید روی آن بزنید و روی این نکته تأکید کنید که این فکر و عقیده و یا این رفتار روش مناسبی برای حل مشکل نیست و راه‌حل‌های بهتری وجود دارد. ۱۴- اجازه ندهید کودک شما برنامه‌های خشونت‌آمیز، صحنه‌های قتل و دیگر کشتی و یا برنامه‌های نامناسب دیگر را ببیند. کانال را عوض کنید و یا تلویزیون را خاموش کنید و توضیح دهید که چه مواردی در برنامه‌های فوق اشتباه است و قابل قبول نیست. ۱۵- در برنامه‌های جنگی، خشن و تهاجمی به کودک یادآوری کنید که گرچه هنرپیشه یا قهرمان این ماجرا واقعا آسیب نمی‌بیند و کشته نمی‌شود، اما چنین اعمالی در زندگی واقعی ما منجر به درد، ناراحتی و حتی مرگ می‌شود. ۱۶- زمان استفاده از تلویزیون صرف نظر از نوع برنامه (حتی اگر نامناسب هم نباشد) باید محدود شود، چرا که فرصت و زمان پرداختن به فعالیت‌های مفید و مناسبی چون خواندن، مطالعه کردن، بازی با دوستان، ورزش و فعالیت بدنی، تعامل با اطرافیان و آموختن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را از کودک می‌گیرد. ۱۷- در صورتی که کودک تحت فشار گروه یا همسالان است سعی کنید با سایر والدین ارتباط برقرار کنید و با آنها به بحث و تبادل نظر بنشینید و از نقطه نظرات آنها استفاده کنید.

و گاهی اوقات آن برنامه‌ها را با فرزند خود تماشا کنید. ۲- زمان تماشای تلویزیون را محدود کرده و در زمان‌هایی از روز تلویزیون را خاموش کنید.

۳- تلویزیون را در اتاق کودک قرار ندهید چرا که در این صورت نمی‌توانید برای زمان استفاده از آن محدودیت و قانون خاصی بگذارید. آن را در یک مکان عمومی‌تر قرار دهید. ۴- زمان صرف غذا، زمان تعامل و دور هم جمع شدن اعضای خانواده و زمان مطالعه زمانی نیست که با تماشای تلویزیون از کیفیت آن کاسته شود، در مواقع فوق تلویزیون را خاموش کنید. ۵- زمانی که احساس می‌کنید برنامه خاصی از تلویزیون برای کودک شما مناسب نیست آن را خاموش کنید.

۶- اجازه دهید بچه‌ها برنامه‌های فردی و مورد علاقه خود را با نظارت شما انتخاب کنند اما اجازه ندهید هر برنامه‌ای را ببینند. ۷- در مورد چیزهایی که در تلویزیون می‌بینید با فرزند خود به بحث و تبادل نظر بپردازید. روی نکات مثبت همچون همکاری، دوستی و احترام گذاشتن به دیگران در برنامه‌ها و فیلم‌های تلویزیون تأکید کنید. ۸- زمان تماشای برنامه‌های تلویزیون فرصت خوبی است که اطلاعات کودک را راجع به تاریخ، افراد، مکان‌ها، شهرها و وقایع مختلف افزایش دهید.

۹- در ارتباط با برنامه در مورد ارزش‌های اخلاقی، خانوادگی و فردی صحبت کنید.

۱۰- در مورد پیامدها و عواقب رفتارهای پر خاشگرانه و پرخطر همچون مصرف سیگار، مواد مخدر رفتارهای جنسی صحبت کنید. ۱۱- در مورد تأثیر تبلیغات در زندگی روزمره صحبت کنید.



دور وایت واقعی از زندگی و مرگ دو انسان؛

آن که با مرگ رفت و آن که با زندگی ماند!
• امیرروچپور

پرده‌ی اول:

با کمک کارگر غسلخانه با هزار بدبختی مرحوم را که از قضا خیلی سنگین وزن هم هست، برای طی مراحل بعدی به بیرون انتقال می‌دهیم. چند ساعتی می‌گذرد و تقریباً همه دوستان و فامیل مرحوم که می‌گفتند یکی از ثروتمندان شهر است برای آخرین خداحافظی می‌آیند. مرحوم کفن شده در اختیار نزدیکانش برای آخرین وداع قرار داده می‌شود، اما نه از شیون و زاری خبری هست و نه از گریه و اشک‌های فرزندان و همسر داغ‌دیده! مدتی بعد تابوت برای تشییع جنازه روی زمین قرار می‌گیرد باز داستان دوباره تکرار می‌شود؛ این بار هم کسی حاضر به برداشتن تابوت مرد ثروتمند نیست.... چند روزی از مجلس پر آب و تاب چهلم مرحوم می‌گذرد که متوجه می‌شوم در خانواده مرد ثروتمند که نه اهل خیر بوده و نه اهل نیکوکاری جنگی تمام عیار رخ داده است، جنگ بر سر ارث و میراث.....

پرده‌ی دوم:

او از پزشکان نیکوکار و خدوم بوده است. مردم خیلی دوستش دارند؛ بیش ۴۰ سال رایگان در خدمت مردم بوده است... مگه می‌شود دوستش نداشت... دکتر بود و عشق... دکتر بود و امید، دکتر بود و دریا دریا آرزوی خوشبختی دیگران... او غریب غریب نوازی بود که دستهایش «عشق» و چشمهایش تجسم «مهربانی» بود. او بیرق آرزوهای مردمی بود که «ندان» داشتند و «نان» نداشتند. به راستی مگر می‌شود آن همه «گذشت» و «ایثار» را به آسانی تفسیر کرد؟ و چه روز سیاهی بود؛ وقتی که دکتر فوت کرده بود؛ هزاران بیماری که می‌گریستند و هزاران دردمندی که چراغ خانه‌شان برای همیشه خاموش شده بود! آهوان بیابان نیز بر تنهایی او گریستند. و هزاران راز نا گفته که در سینه‌ی مهربانش به دل خاک سپرده شد. و مردمی که با ناله از هم می‌پرسیدند: دیگر، چه کسی نیمه‌های شب بر بسترمان خواهد آمد؟ دیگر چه کسی برای بچه‌هایمان نقل و شیرینی خواهد آورد؟ دیگر چه کسی اشکهایمان را پاک خواهد کرد؟ خدا یا با این همه درد چه کنیم؟ هنوز آخرین نسخه‌اش موجود است. هنوز آخرین قطرات اشکش بر نسخه‌ای که در واپسین دم حیات، برای بیمار نوشته است، دیده می‌شود تا «دنیا» بدانند که این میهن و این مرد، معنای «زندگی» و «بودن» را در «حیات دیگران» می‌داند. یکی از دوستانش تعریف می‌کرد: در یکی از شبهای نزدیک عید در حالی که هنوز سرمای زمستان وجود داشت و برف زیادی در کف خیابان‌ها بود، حدود ساعت ۹ شب به دیدنش رفتم. خوشحال شد و گفت باید جایی برویم، بلند شو و ماشین را روشن کن. در حالی که مسیر خیابانها

...به محوطه غسلخانه که می‌رسم کمی جا می‌خورم؛ انگار نمایشگاه مد است. یکی کروات زده و با عینک دودی و کفش‌های ایتالیایی اش همه را می‌باید و دیگری کت و شلوارش را چنان با پیراهنش ست کرده که الحق و الانصاف چشم همه را خیره کرده است؛ انگار همه آمده اند عروسی! خانم‌ها هم که می‌خواهند از مردهایشان کم نیاورند، به قول مشهدی‌ها هفتاد قلم آرایش کرده‌اند. همه جوریش را دیده بودم، اما خدایش این دیگه آخرشه! تشییع جنازه به سبک فیلم‌های هالیوودی!! ماشین‌های مدل بالا یکی پس از دیگری پارک می‌کنند. در این میان نحوه‌ی پیاده شدن یکی از سرنشینان حسابی کنجکاو می‌کند. زیرا او بیش از دیگران نگران خاک قبرستان است که برق کفش‌هایش را کم نکنند. می‌گویند پسر بزرگ مرحوم است که صاحب ثروت هنگفتی از پدرش شده است؛ از زمین گرفته تا باغ و ویلا. اما نمی‌دانم چرا خسارش نشانی از داغ پدر نمی‌دهد. عده‌ای زیر درخت‌ها حسابی گرم صحبتند. یکی از خانه میلیاردری اش... که تازه بالای شهر خریده می‌گوید، دیگری از ۵۰۰ سکه دیروزی زیر فی بازار خریده و آن یکی از سود کلانی که در معامله‌ای کرده است می‌گوید؛ انگار نه انگار که برای مراسم تشییع جنازه آمده‌اند. بوی تند ادکلن فرانسوی که با حرف‌هایی از جنس دلار و سکه در آمیخته، در فامیل مرحوم آن هم در ایستگاه آخرت موج می‌زند و حسابی حالم را می‌گیرد؛ آخر اینجا جای این حرف‌ها است؟! در همین فکرها هستم که یکی از کارگران غسلخانه پسران مرحوم را صدا می‌زند. اما کسی را نمی‌یابد. کارگر غسلخانه دوباره صدا می‌زند اما باز هم کسی جواب نمی‌دهد... از همه جا به من نگاه می‌کند؛ آقا لطفاً بیاید کمک... پاسخ مثبت می‌دهم و به سردخانه می‌روم. وارد سردخانه که می‌شوم، دهها آدم کوچک و بزرگ را می‌بینم که گویا طی ۲۴ ساعته گذشته دار فانی را وداع گفته‌اند؛ از کودک خردسال که لبخند بر لب دارد، تا فقیری که در عالم بی‌کسی سگته کرده است. مرحوم مورد نظر ما هم که پدر یکی از دوستان نزدیکم است، در کنار یکی از اجساد انگار به خواب عمیقی فرو رفته. سکوت عجیب فضای سردخانه و آدم‌های رنگ‌وارنگش را هرگز فراموش نمی‌کنم؛ سکوتی که در این دنیای خاکی فقط در سردخانه می‌توان تجربه‌اش کرد. کارگر غسلخانه می‌گوید بسم... و اینجاست که احساس می‌کنم دستم به دیوار پر برفک سردخانه چسبیده است. هر کاری می‌کنم دستم از دیوار کنده نمی‌شود. کم‌کم سردی سردخانه مثل آوار بر سرم خراب می‌شود. حس مرگ را در کنار مردی که چشم‌هایش باز مانده است، با تک تک سلول‌هایم حس می‌کنم. حسابی وحشت می‌کنم که کارگر بهشت رضا به کمکم می‌آید و بالبخندی یاد آوری می‌کند که هر چند در دنیای مردگانم اما فعلاً زنده هستم. نفس گرم کارگر غسلخانه به دادم می‌رسد و دستم بالاخره پس از چند ثانیه‌ای که چند ساعت به من گذشته، جدا می‌شود.



را به سختی طی می‌کردیم گفت: ماشین را به سمت محله فقیر نشین شهر هدایت کن. ده آدرس دارم که باید به درب خانه هایشان برویم... من خودم شاهد بودم که آن زنده یاد چگونه آدرس دقیق فقیرترین مردم را داشت... تا نیمه‌های شب به درب منازل یکایک آنان رفتیم. بچه‌ها می‌گریستند و دکتر هم می‌گریست و من صدای هق‌هق گریه‌ی شادی مردی را در انتهای کوچه می‌شنیدم که می‌گفت: بچه‌هایم فردا لباس نو خواهند پوشید... او در نقل خاطره‌ای دیگر از دکتر، گفت: شبی شخصی که ظاهر آراسته‌ای داشت، به مطب دکتر در منزلش آمد. طبق معمول جایی برای نشستن نبود. اطراف دکتر روی زمین هر چه بود دارو بود که همه را به رایگان به بیماران می‌داد و انبوه کتابهایی که مونس شبهای تنهایی دکتر بودند. شخصی گفت: دکتر! من از مشهد خدمت رسیده‌ام. من زمانی ثروتمند بوده‌ام ولی حالا چیزی ندارم، می‌خواهم به من کمک کنید. دکتر بعد از شنیدن حرفهایش گفت: راستش من چیزی ندارم می‌بینی که خانه‌ام اجاره‌ای است و سقفش هم هر لحظه ممکن است فروود بیاید. مال و منال دیگری هم ندارم. یک ریال هم از پول ویزیت به جیبم نمی‌رود و هر چه هست خرج همین دردمندان بیچاره می‌شود. من فقط با حقوق دوران بازنشستگی‌ام، زندگی می‌کنم. چند آلبوم تمبر با ارزش قدیمی دارم که شاید ۱۵۰ هزار تومان ارزش داشته باشد. در حالی که من با حیرت نظاره‌گر صحنه بودم، دکتر آنها را به او داد و گفت: قرض می‌دهم بفروش هر وقت وضع مالی‌ات خوب شد دوباره بیاور که این پول باید، خرج مردم شود. آن شخص رفت و سالی بعد در حالی که ۲۵ هزار تومان در جیب داشت به دیدن دکتر آمد، دکتر وقتی مبلغ را دید گفت برو عزیز من... پول را نگرفت و آن مرد هم رفت... یک روز، به مزارش رهسپار شدم. روز جمعه بود، مردمان زیادی گلزار ابدی او را احاطه کرده بودند. دیدم که توگویی آرامگاه ابدی دکتر در کنار شهدای این شهرستان برای همه زیارتگاهی است. و جالب آنکه، همه‌ساله در سالگرد درگذشت دکتر محمد کوثری، مردم ادارات و سازمان‌های شهرستان زادگاهش، همه بسیج می‌شوند تا در روزی به نام «خدمت بی‌توقع»، خدماتی رایگان به محرومان ارائه کنند.

.....

منابع: خبرگزاری قرآن. کتاب «مردی که مظهر رحمت بود» از امیر نجفی. و مقاله‌ی «خدمت بی‌منت به یاد طبیب مهربان» از روزنامه خراسان.

کفر ناحوم؛ زندگی غمبار «زین» و زینت اسکار!

کارگردان: نادین لبکی / محصول کشور لبنان
• مریم همایونی



زاغه‌نشین مدام در معرض مواد مخدر، خشونت و بسیاری آسیب‌های اجتماعی قرار داشته‌است. قهرمان فیلم، زین، شاهد ازدواج اجباری خواهر ۱۱ ساله‌اش با مردی ۳۰ ساله است که در واقع پدر و مادرش برای بدست آوردن پول او را به مردی فروخته‌اند و زمانی که خواهر زین به دلیل سقط جنین می‌میرد زین با فریاد از خانه بیرون می‌دود و می‌رود بدنبال سرنوشتی نامعلوم تا زندگی خود را در شهری بزرگ ادامه دهد. زین بعد از فرار از خانه به مهاجر غیرقانونی از اتیوپی به نام «راحیل» بر خورد می‌کند که پسر زیبای کوچکی به نام «یونس» دارد. راحیل به ناگهان ناپدید می‌شود و به ناچار وظیفه‌ی نگهداری یونس به دوش زین می‌افتد که در این راستا نیز مشکلات تاسف‌بار زیادی گریبانگیر زین می‌شود. فیلم کفر ناحوم به روشنی زندگی کودکان آسیب‌دیده، کودکانی که در لبنان و سراسر دنیا و بخصوص در جهان سوم بی‌شمارند مشکلات مهاجران غیرقانونی، سواستفاده از کودکان، عدم رعایت حقوق کودکان، نژادپرستی و... را نشان می‌دهد. اینکه کودکی در دادگاه شکایت از دنیا آمدنش بکند، آرزوی تمام کودکانی است که در چنین شرایطی زندگی می‌کنند و کارگردان بعد از تحقیق و گفتگوی بسیار زیاد با زاغه‌نشینان، چنین فیلمی ساخته است تا در زندگی خود کودکان خیابانی را که بخشی از وجدان ما هستند، ببینیم. در مصاحبه‌ای، نادین لبکی در جواب این سوال که: دوست دارید تماشاگران بعد از دیدن فیلم چه تأثیری از آن بگیرند؟ پاسخ داده‌است: امیدوارم بتواند مطالبات‌ی را در این رابطه مطرح کند و نوعی آگاهی و بینشی عمیق بوجود بیاورد. من فقط فیلم نساختم که مردم را متوجه وجود یک مشکل کنم زیرا همه از وجود این مشکلات آگاهند. هدفم تغییر برداشت و نگرش‌هاست. در لبنان فقط با تغییر دیدگاه مردم است که می‌توان به ایجاد تغییر در قوانین امید داشت. بعد از دیدن فیلم شاید نقدهایی تکنیکی بر آن وارد باشد. اما پیام جهانی فیلم کفر ناحوم و درخواست از جهانیان که «در صورت غوطه‌ور بودن در فقر فرهنگی و اجتماعی به فرزندآوری و ارضا غریزه‌ی بقا ادامه ندهند تا «زین»‌های غمگین را در دنیا پرورش ندهند که از زنده بودن خود غمگین و از آوردنشان به دنیا به پدر و مادرشان و جهانیان شکایت کنند»، پیامی قابل تأمل است.

فیلم «کفر ناحوم» فیلمی رئالیسم اجتماعی و درام است از کشور لبنان به کارگردانی بانو «نادین لبکی» محصول سال ۲۰۱۸ که نامزد بهترین فیلم خارجی زبان اسکار، گلدن گلوب و بفتا شد و پس از تشویق ممتد ۱۵ دقیقه‌ای در جشنواره‌ی فیلم کن، جایزه‌ی این جشنواره‌ی معتبر را از آن خود کرد. تا پیش از فیلم «کفر ناحوم» هیچ زنی از دنیای عرب نامزد اسکار نشده بود و این رویداد هنری مهم دنیای عرب، نادین لبکی را پرچم‌دار سینمای نوین لبنان قرار داده است. زندگی پر از حسرت و مملو از مشکلات زاغه‌نشینان در تمام دنیا موضوعی است که ذهن جهانیان را به خود مشغول می‌کند. نادین لبکی سعی کرده است با فیلمی رئال و اجتماعی بخشی از زندگی این قشر را بازگو کند. «کفر ناحوم» شهری باستانی در اسرائیل است و زاغه‌ای در اطراف بیروت که فیلم سرگذشت واقعی زاغه‌نشینان بیروت را به تصویر می‌کشد. فیلم به شکلی واقع‌گرا و مستندگونه و با استفاده از فلاش‌بک داستان «زین» کودک ۱۲ ساله‌ای را روایت می‌کند که در بیغوله‌های بیروت زندگی می‌کند. زین الر فیع، در عالم واقع نیز بزرگ شده‌ی زاغه‌نشین است و کارگردان اکثر بازیگران اصلی را از آسیب‌دیدگان زاغه‌نشین انتخاب کرده است. زین، با چهره‌ای مصمم و نگاهی با نفوذ و بالغانه نقش بسزایی در موفقیت فیلم دارد. زین در اوج کودکی به اجبار زمانه بزرگ شده است و کودکی‌اش در التهاب مشکلات بزرگی گذشته و از او «زین» غمگینی ساخته‌است. وی که در دادگاه به جرم چاقو زدن به شخصی به ۵ سال محکوم می‌شود، در همان دادگاه از پدر و مادرش شکایت می‌کند که چرا من را به دنیا آورده‌اند؟ فیلم «کفر ناحوم» حول و حوش شکایت زین با نقش آفرینی ستایش برانگیزش می‌گذرد.

شکایت از زاده شدن و غصه‌ی خواهران و برادران بی‌شمارش که سایه‌ی فقر مالی، اجتماعی و فرهنگی سراسر زندگیشان را فرا گرفته است. رفتارهای بد و نامناسب پدر و مادر زین نسبت به او و دیگر خواهر و برادرانش، غصه‌ی کودکی که مادر باردارش برای دوازدهمین بار قرار است باز هم کودکی را به دنیای سخت و غمگینشان دعوت کند گوشه‌ای از اضطراب‌های نهانی زین است. زین چون دیگر کودکان

كَفَرْنَا حَقًّا

C A P H A R N A Û M



PRIX DU JURY
FESTIVAL DE CANNES



UN FILM DE
NADINE LABAKI

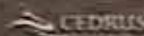
ZAIN ALRAFEEA

YORDANOS SHIFERA

TREASURE BANKOLE



wild bunch



16
FRANCE



اهمیت و ارزش خواندن و تحقیق در ادبیات تاریخی بر همگان آشکار است چرا که هویت و فرهنگ و تاریخ ملل را نشان می‌دهند و نمی‌توان به تاریخ و عقبه‌ی خود بی‌اعتنا بود و از این جهت است که می‌توان با خواندن ادبیات کلاسیک و تاریخی و دانستن سرگذشت‌های پیشینیان بر تجربیات خود افزود و درس‌های آموزنده گرفت. بنا به گفته‌ی ماریو وارگاس یوسا «آموزه‌ی کتابهای تاریخی تاریخ مصرف ندارند» و از این جهت موضوعات تاریخی را می‌توان با تکیه بر قوه‌ی تجسم و تخیل در ذهن ترسیم و تحلیل کرد و درس‌ها از آن آموخت.» مقایسه‌ی شخصیتها، احساسات، تجربیات، مضامین ارزشها و دیدگاه‌های تاریخ گذشته با جامعه‌ی کنونی ذهن را به چالشی می‌کشد برای استفاده از تجربیات گذشتگان برای بدست آوردن درک عمیقی از خود واقعی و این است برخی از فواید تحقیق و خواندن کتابهای تاریخی؛ از این رو در این شماره از فصلنامه‌ی همدم کتاب «کجا می‌روی؟» اثر هنریک سینکوئیچ را به شما معرفی می‌کنیم و امیدواریم از خواندن این اثر زیبا حظ ادبی ببرید و شوری عمیق و انسانی بیابید: کتاب «کجا می‌روی؟» اثر نویسنده‌ی بنام لهستانی "هنریک سینکوئیچ" کتابی قابل تأمل و بسیار زیباست که خواننده با ملاحظه‌ی معرفی آن، محال است این کتاب هفتصد صفحه‌ای را تا به اتمام نرساند به راحتی کنار بگذارد. این اثر را در سال ۱۳۵۳ مرحوم حسن شهباز (مترجم قهار ایرانی) که ترجمه‌ی رمان‌های بزرگی را در کارنامه‌ی کاری خود دارد به گونه‌ای بسیار شیوا، روان و دلنشین ترجمه کرده است. اما بنا به دلایلی چاپ اول این کتاب توسط انتشارات ماهی در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. کتاب فاخر و جاویدان «کجا می‌روی؟» که در ژانر رمان‌های تاریخی است، در همان ابتدای نگارش آن به پنجاه زبان زنده‌ی جهان ترجمه و در سال ۱۹۰۵ به دریافت جایزه‌ی نوبل نائل شد. هنریک سینکوئیچ که در این کتاب تاریخ امپراطوری رم را به‌طور مفصلی روایت کرده است، برای تحریر این کتاب تمام تاریخ امپراطوری رم را مورد مطالعه و تحقیقات میدانی دقیق قرار داده است. به گفته‌ی عموم تاریخ نویسان کلادیوس سزار دروسوس گرمانیکوس معروف به «نرون» یکی از بی‌رحم‌ترین و ستمکارترین حاکمان تاریخ است که از بدو خلقت بشر تا امروز انسان نظیرش را کمتر دیده است. نرون چهارده سال در رم فرمانروایی کرد و در این مدت حوادث بسیار تلخی رقم زده شد؛

مردم آن زمان نیز به خاطر جو حاکم، به خونریزی و برادرکشی خو گرفته بودند و تماشای مرگ فجیع مردم برایشان نوعی تفریح و سرگرمی محسوب می‌شد. از محسنات شاخص این کتاب فاخر این است که با خواندن سطر به سطر آن به راحتی می‌توان به گونه‌ای ملموس و واقعی خود را در بطن اتفاقات و رخدادهای تاریخی آن زمان حس کرد. قسمتی از کتاب به زمانی برمی‌گردد که نرون پادشاه ستمگر رم، برای خاطر آن که بتواند بصورت واقعی چند بیت شعر را در وصف سوختن یک سرزمین بسراید، رم را به آتش کشید.

کجا می‌روی، خدایا؟

تورقی در کتاب: «کجا می‌روی؟» اثر هنریک سینکوئیچ
 • مریم همایونی

در لابلای این حوادث تاریخی از جشن‌های بسیار عظیم و عجیبی روایت می‌خوانیم که گویی فقط در افسانه‌ها می‌تواند این رویدادها رخ دهد. در همان دوران آیین یکی از عالی‌ترین مظاهر شرافت انسانی - عیسی مسیح - در حال رواج بود که حواریون مسیحی به سختی و در خفا پیام آزادگی و گذشت را در کالبد بی‌جان جامعه‌ای که غرق در گمراهی و ستم بودند به روح جامعه دمیدند. نرون به طرز فجیعی پیروان مسیحی را در قالب خوشگذرانی و تفریح از بین می‌برد و سیاسیون فرومایه با تأیید رفتارهای نرون به نابودی رم دامن می‌زدند و آنجاست که در زیباترین بخش کتاب پی به فلسفه‌ی نام کتاب می‌بریم. زمانی که نرون در آخرین ماه‌های فرمانروایی‌اش با شقاوت و بدون دلیل هزارن مسیحی بی‌گناه را به قتل می‌رساند و در این هنگام پیری فرتوت عصازنان و خسته حال ناگهان می‌ایستد و زانو بر زمین می‌زند و با صدایی مرتعش و حزن‌انگیز فریاد بر می‌آورد که: «ای خداوند من! به کجا می‌روی؟» در لابلای تمام فجایع غم‌انگیز اجتماعی، سیاسی آن دوران به اسم مارکوس وینچیوس و شاهزاده لیژیین (لیژیا) زیاد بر می‌خوریم که فضای پرفشان آن زمان را در عشقی بسیار لطیف، زیبا و انسان‌ساز به تصویر می‌کشد. عشقی که سردار صاحب منصب مارکوس را از گذشته‌ی پر زرق و برق خویش جدا می‌کند و زندگی او را اگر چه با درد، ولی زیبای‌سازی می‌کند و از پیله‌ی زندگی وی موجودی کامل بیرون می‌آید. شخصیت جذابی چون "پطرونیوس" و حوادث پیرامون آن نیز بر جذابیت این اثر بارزش افزوده است.



افقی:

۱. ليله القدر ... - پولک ماهی ۲. تعجب خانمانه - گلدسته - آرزوی بزرگ ۳. ضربه‌ای در ورزش والیبال - امانت‌فروش - گل زیبای نوروزی ۴. طاقچه بالا - چهارضلعی منظم هندسی - نام دخترانه وطنی - صوت ندا ۵. پناهگاه - درشت و عظیم - سرمایه جاودانی ۶. حشره خونخوار - نصیب و قسمت - واژه یا واژه‌هایی که به صورت مکرر و بدون هیچ تغییری در آخر بیت‌ها یا مصراع‌ها بعد از قافیه می‌آید گفته می‌شود ۷. خاک - دوست علم و دانش ۸. از نزولات پربرکت آسمانی - خون بسته - آخرین نازی ۹. ابر زمینی - پسوند محافظت - متحرک - وقت و زمان ۱۰. شب‌ها هستی و وجود - نژاد ایرانی ۱۱. می‌گویند توانستن است - محبت و مهربانی ۱۲. نماز یک رکعتی - به مراد دل نرسیده - آینده ۱۳. مساوی ماه محبت تخت پادشاهی - از مبطلات روزه ۱۴. خشمگین - اسباب صبرزد ۱۵. دریاچه سیستان - نام دیگر موسسه خیریه توانبخشی همدم

عمودی:

۱. سه شنبه هفتم اردیبهشت با هدف کمک به سیل‌زدگان کشورمان در تالار خیریه مشهد روی صحنه رفت ۲. پیامبر زیبارو «ع» - صد متر مربع صوت ندای بی‌ادبانه - رستوران فرنگی ۳. ناپدری - باعث و بانی - انتها عزیز عرب ۴. حالت بیهوشی - بر سر در مغازه بجویند - لیست غذای رستوران ۵. پس‌ندانی خسیس - امپراطوری باستانی - کامپیوتر ۶. این محفل با حضور چند تن از قاریان مطرح کشوری در موسسه همدم برگزار شد - زرد ترکی ۷. درخشان - زیر خاک کردن مرده - خوردنی دردآور «سقف» میان‌تهی! ۸. اسب - مرموز - صحرائی وسیع در مصر - پسوند مصدر جعلی ۹. بی‌باکی - مقابل اسید - دارای اسلحه ۱۰. مقتدا - کلمه احترام آمیز پیش از نام بانوان - آزاد ۱۱. راه میان‌بر - محضدار - عقیده انتخاباتی ۱۲. بلیغ - تکیه کلام بچه‌مشهد - عزت قائل شدن ۱۳. حمام مقتل امیر کبیر - صفحه ترازو - شهری در اردبیل - عضو صورت ۱۴. از حبوبات - پایان و فرجام چیزی - نیرومند ۱۵. نقدی بر این کتاب اثر ویلیام گلدینگ را می‌توانید در سایت اینترنتی موسسه همدم بخوانید - شاداب

جواب جدول قبل

	15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
1	ک	ص	ب	ح	و	ب	و	و	ی	ن	و	ر	و	ز	
2	ن	ا	ح	ق	ب	ی	ا	ت		ا	و	ا	ن	س	
3	م	ن	ا	ن		ش	ر	ی	ک		ا	ل	ا	م	
4	ه	ل	ل	گ	ا	ت	و		ج	م		ر	ن		
5	م	ت	ی	ا	ر	ر		ر		ر	ه	ن	و		
6	ا	ل	و	ه	ر		ب	و	ت	ی	م	ا	ر		
7	ی	و	ا	ش	ا	م	ی	ز	ش		ر	و	ا	س	
8	و	ا	ن	ی	ل	س	و	پ		ب	ا	ی	ا		
9	ن	ی	ا	ن	ا	ل	ک	ت	ر	و	ن	ی	ک	ل	
10	ش	ح	ت	ک	ا	ن		س	ی	د	م	س	ن		
11	ج	ت	و	پ	ی	ن	ت	ا	ی	ج		ا	ه		
12	ر	و	ل	ش	ه	ر	ی	ا	ر		ک	ر	م		
13	ی	ا	ق	و	ت	ک	ا	ر		گ	و	ن	ا		
14	ا	د	ی	ب	ا	س	ی		پ	ا	ی	ی	ن	ی	
15	ن	ا	ن	ا	و	ر	ش	ب	ی	ل	د	ا	ش		



15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

															1
															2
															3
															4
															5
															6
															7
															8
															9
															10
															11
															12
															13
															14
															15

جدول شماره: ۷

طراح جدول: محمد رضا علیزاده



جایی در آستانه‌ی آسمان

نگاهی به تاریخچه‌ی همدم؛ از گذشته تا امروز

عکس: سید پوریا اسماعیل زاده

مجموعه، راه اندازی سیستم‌های هواساز، احداث سالن‌های همایش و نمازخانه، لاندبری و تهویه و همچنین تکمیل و بهره‌برداری از ساختمان شهید شاهد برای کودکان آموزش پذیر در کارنامه‌ی این نیکوکاران می‌درخشد.

در سال ۱۳۸۴ مؤسسه به طور کامل از سازمان بهزیستی مستقل و تحت عنوان «خیریه‌ی توانمندسازی و حمایت از معلولین» به هیئت‌امنا واگذار گردید. هیئت مدیره‌ی مؤسسه، هفت عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل دارد: حاج اکبر صابری‌فر (رئیس هیئت مدیره)، مهندس حمید طیبی (نائب رئیس)، دکتر زهرا حجت (مدیرعامل مؤسسه) و آقایان حسین محمودی، علی اکبر علیزاده، مهندس علی کافی مهندس مرتضی ادیبی و جعفر شیرازی‌نیا، دیگر اعضای هیئت مدیره‌ی همدم هستند.

فرزندان تحت حمایت همدم، همگی دختر بی‌سرپرست یا بدسرپرست‌اند. این مؤسسه در ابتدای واگذاری ۱۸۶ مددجو و ۹۳ کارمند رسمی مأمور به خدمت داشت. این رقم در حال حاضر به ۴۰۰ مددجو و قریب ۱۶۰ نیروی قراردادی افزایش یافته است. این روزها؛ فرزندان این خانه، بر اساس نوع معلولیت یا شرایطشان در سه ساختمان مستقل و مجزا زندگی می‌کنند.

زمین خدا وسیع و هوشیار و خوشبخت است ... اما بعضی تکه‌های زمین خدا خوشبخت‌ترند چون می‌شود نردبانی روی آن گذاشت و از درخت آسمان بالا رفت ...

در گوشه‌ای از شهر مشهد، تکه زمینی قرار دارد، خوشبخت؛ جایی در آستانه‌ی آسمان ... محل ازدحام دل‌های مهربان ... جایی پر از آرزو ... پر از ذهن‌های سپید و بی‌فریب ...

سال ۱۳۶۱ بود که تکه‌ای از زمین خدا، به اندازه‌ی ۱۰۰۰۰ مترمربع سهم دختران کم‌توان ذهنی شد تا در آنجا زندگی کنند آموزش ببینند خدمات توانبخشی دریافت کنند و چند قدم به آرزوهایشان نزدیکتر شوند. این مکان که ابتدا مؤسسه‌ی فتح‌المبین نام گرفت و سپس با «خیریه همدم» کامل شد، کارش را تحت پوشش سازمان بهزیستی با پذیرش ۶۰ دختر شروع کرد.

از سال ۱۳۸۰ نوع مدیریت مجموعه به شیوه‌ی هیئت‌امنایی تغییر یافت که اتفاق مبارکی بود. از همان سال، اعضای هیئت‌امنا که همگی از خیرین و نیک‌اندیشان شناخته شده‌اند، با تمام همت و نیرو، در جهت بهتر شدن شرایط دختران همدم، گام برداشته‌اند.

اقدامات مؤثری مثل؛ تجهیز، بازسازی و نوسازی بخش‌های مختلف



ساختمان شماره ۱:

(فتح المبین) به مساحت ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ مترمربع و زیربنای حدود ۶۸۰۰ مترمربع محل نگهداری و آموزش معلولین ذهنی عمیق و دختران تربیت پذیر است.

ساختمان شماره ۲:

(مرکز شهید حمید شهید شاهی)، به مساحت ۲۶۰۰ مترمربع و زیربنای ۳۵۰۰ مترمربع محل زندگی دختران آموزش پذیر است.

ساختمان شماره ۳:

خانه ی پناهگاهی ارغوان و شقایق با مساحت ۳۰۰ متر در دو طبقه ی مجزا (هر طبقه ۱۰ نفر) در سنین زیر ۱۴ و بالای ۱۴ سال که فرزندان لب مرزی (میان راهی) توانبخشی همدم هستند.

مرکز آموزش روزانه

مددجویان مؤسسه ی همدم، به طور همزمان از امکانات و خدمات مختلفی برخوردارند، از جمله:

استفاده از خدمات توانبخشی از قبیل: فیزیوتراپی، گفتاردرمانی و کاردرمانی حضور در فعالیت های مختلف تأثر و ورزشی برای دستیابی به حداکثر توانمندی جسمی، شرکت در کارگاه های هنری از قبیل گلیم بافی، گلسازی قلم زنی روی مس، فرشینه، ملبله کاغذی و

بدیهی است که فراهم ساختن فضایی شبیه خانه برای دختران این مرکز هزینه های سنگینی به دنبال دارد. در حال حاضر، برای هر مددجو، ماهانه بیش از ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه می شود که یارانه ی دریافتی از سازمان بهزیستی کمتر از یک سوم این هزینه را تأمین می کند. و مابقی، با کمک های مردمی تأمین می شود.

welfare organization (charity for the empowerment and protection of the disabled) to the board of trustees.

The board of divectors of the institute has 7 main members and 2 non-core members :

Akbar sabery far (chairman of the board) , Hamid tayyebie (vice chairman) , DR. Zahra Hojjat (managing director of the institute) and Mr. Hossein Mahmoodi , Ali Akbar Alizadeh , Ali Kaffie , Morteza Adibi and Jafar Shirazinia are members of the board of directors .

Companion-backed children are all unmarried or bad guys .

This institute was originally commissioned by 186 clients and 93 officers.

The figure has now risen to 400 clients and nearly 160 contractors.

These days, the children of this home live in three distinct and independent setting , based on their disabilities or conditions :

Building number (1) :

(Fath – Ol – Mobin) with an infrastructure of about 6800 meters is a place for the maintenance and training of deep mentally disabled and educable girls .

Building number(2) :

(Hamid Shahid's center) with an area of 2600 meters and a 3500 meters underground building is an educational ground for girls .

Building number (3) :

The refuge house of Arghavan and Shaghayegh with a total area of 300 meters in two separate floors (each floor is 10 people) under the age of 14 and over 14 years old , the children of the borderline (between the way)of Hamdam rehabilitation .

Daily training center

Attendees of the Hamdam's institute simultaneously have various facilities and services. Including :

Use of rehabilitation services such as physiotherapy , speech therapy , occupational therapy , participate in various theater and sports activities to achieve maximum physical fitness,participate in artwork such as : weaving , knitting , crocheting , copying , carpet , paper tapestry andobviously , providing a home-like space for girls in the center is costly .

Currently , more than 25,000,000 Rials are spent per client each month that the subsidy received from the welfare organization amounts to less than one – third of this cost,and we are funded by popular support .





عکس: شیدا طباطبایی

A Status Report of Fatholmobin-Hamdham Rehabilitation Charity

God's earth is vast and sober ...

But some of the pieces of the land of God are more prosperous, because it is possible to put a ladder on it and rise up from the bottom of the sky

In the corner of the city of Mashhad there is a patch of land . Fortunately, there is a piece of land happy , somewhere in the sky ... the place of conquering the hearts of the hearts is full of dreams ...

In the year 1361 , a fragment of Allah's earth was absorbed in the size of 10,000 meters was shared of men-

tally retarded girls that they live there and to be trained , to receive rehabilitation services and get closer to their aspirations .

This place was first named Fath -Ol - Mobin institute and then completed with (Hamdam charity), began her work under the umbrella organization with 60 girls.

Since 1380 , the type of portfolio management has changed in the form of a board of trustees , which was happy .

From the same year, members of the board of trustees , all of whom are well-known charities and well-known people , are struggling to improve the Hamdam's girls . Effective measures such as equipping , rebuilding and renovating the various section of the complex , arrangement of air-conditioner systems, construction of conference hall and prayer hall , landing and ventilation , as well as completion and operation of Shahid's building for educational children shine in the work of these righteous people .

In 1384 , the institute was fully independent from the

Hamdam

Internal Journal of Fatholmobin Rehabilitation Charity

People who seek (search) for peace and joy in their lives they can find it in helping other people and this has nothing to do with wealth, but it depends on their views to life. In their opinion there is not any stranger on earth and all humans are the members of God's family..

Hamdam is the message from all the girls of FatholMobin to those who smiles as a friend ...



ISO9001:2015
Quality Managment System